



مناذیان شوم تجزیه آذربایجان ایران در دهه اخیر (۱)

گوناز، داک و یاران داخلی تجزیه طلبان

اصغر حیدری^۱

اشاره: در کتاب *انقلاب اسلامی و گروه‌های تجزیه طلب* که توسط بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی منتشر شده، برخی از جریانات و گروه‌های تجزیه طلب در آذربایجان که از گذشته به دنبال اهداف شوم خود بودند معرفی و اهداف و فعالیت‌هایشان توضیح داده شده است. در دهه اخیر دشمنان تمامیت ارضی و استقلال ایران مانند گذشته به تشدید سیاست‌های تجزیه طلبی ادامه دادند و تلاش کردند با ایجاد گروه‌های جدید و به ظاهر ناشناخته تحرک تازه‌ای به این سیاست کهنه در منطقه ببخشند. در این پژوهش (در دو قسمت) به معرفی این گروه‌های جدید تجزیه طلب که هدفشان جدا کردن بخشی از آذربایجان از ایران و پیوستن به جمهوری آذربایجان می‌باشد، می‌پردازیم. امید است به آگاهی و بصیرت جوانان ایرانی به ویژه آذربایجانی بیفزاید.

۱. مدرس دانشگاه و کارشناس ارشد ایران شناسی

الف. شبکه تلویزیونی گوناز معرفی شبکه تلویزیونی گوناز و مؤسس آن



شبکه تلویزیونی گوناز (به ترکی: Günaz TV) شبکه تلویزیونی ماهواره‌ای که در ۲۳ آوریل ۲۰۰۵ توسط احمد اوبالی تأسیس شد. این شبکه که به زبان ترکی آذری به صورت ۲۴ ساعته از شیکاگوی امریکا برنامه پخش می‌کند، شبکه‌ای سیاسی و اجتماعی محسوب می‌گردد که از بدو تأسیس فراز و نشیب‌های بسیاری را

تجربه کرده و سابقه پخش از چندین ماهواره مختلف را دارد. این شبکه روزانه فقط ۸ ساعت پخش زنده دارد.

گوناز (به ترکی آذربایجانی: Günaz) مختصر شده گونئی آذربایجان (به ترکی آذربایجانی: Güney Azərbaycan) به معنای آذربایجان جنوبی است.

برنامه‌های شبکه گوناز

برنامه‌های این شبکه را می‌توان به چند بخش تقسیم کرد:

۱. بخش برنامه‌های کودکان.
 ۲. موضوعات فرهنگی و آموزشی نظیر آموزش خواندن و نوشتن به زبان ترکی و مرور دانشگاهی و علمی تاریخ آذربایجان تحت عناوین: آنادیلی [زبان مادری]، رقص دونیاسی [دنیای رقص]، موغام درسی [درس موسیقی موغام] و باجاریقلی اللر [ایل‌های کاردان و فهمیده] و نیز گفت‌وگو با صاحب‌نظران در عرصه فرهنگ و تاریخ.
 ۳. برنامه‌های سیاسی شامل: تحلیل‌های سیاسی، برنامه‌های گفت‌وگوی مستقیم با مردم و فعالان سیاسی.
 ۴. بخش خبری تحت عنوان گونون سسی [صدای آفتاب]
 ۵. برنامه‌های فرهنگی شامل: موسیقی سنتی آذربایجانی، فیلم‌های مستند
 ۶. معرفی کتاب‌هایی در مورد آذربایجان
- شبکه گوناز در کنار برنامه‌های فرهنگی خود برنامه‌های سیاسی نیز پخش می‌کند.

با توجه به محتوای برنامه‌های گوناخ و پشتیبانان و محل و گستره پخش (اروپا، شمال آفریقا، امریکا و خاورمیانه)، هدف اصلی این شبکه تلویزیونی تحریک برای جدایی آذربایجان از ایران بوده و همواره در تلاش آشوب‌افکنی است.



احمد اوبالی مدیر گوناخ

نام واقعی احمد اوبالی (مدیر تلویزیون گوناخ در شیکاگو) احمد یوسفی سادات است و اهل مغان می‌باشد. پدر وی حمام‌دار معروف اردبیل بود و نام حمام نیز «حمام سادات» نام داشت. احمد در کودکی در این حمام کار می‌کرد و در جوانی به سازمان مجاهدین (منافقین) خلق پیوست. وی در

جوانی علاقه زیادی به مجری‌گری داشت و به همین دلیل تصمیم گرفت با پارتی یکی از آشنایان وارد صدا و سیمای اردبیل شود، ولی به دلیل چهره نامناسب و نداشتن فن بیان پذیرفته نشد. وی این شکست را برنتابید و با داد و فریاد بسیار آنجا را ترک کرد. پس از خروج از کشور و همراهی کردن با سازمان تروریستی منافقین در نهایت وارد داک (به اصطلاح کنگره آذربایجانی‌های جهان که در ادامه توضیح داده می‌شود) شد و همراه با گروهی که از سوی سرویس‌های اطلاعاتی و امنیتی رژیم باکو حمایت می‌شد، توانست کنگره را در چند مرحله به دست بگیرد.

اهداف شوم و خطرناک گوناخ تی‌وی علیه کشور و ملت ایران

شبکه گوناخ علاوه بر پخش تلویزیونی، سایت اینترنتی به زبان فارسی و ترکی آذربایجانی نیز دارد و در آنها نیز افکار و اهداف خود را در قالب اخبار، مقاله و تفسیر پی می‌گیرد. در اینجا بر اساس برخی از دیدگاه‌ها و مقالات منتشر شده در سایت گوناخ تی‌وی به واکاوی اهداف پلید آن علیه تمامیت ارضی ایران، جدایی اقوام ایرانی از هم، ایجاد اختلاف و خون‌ریزی بین فارس، ترک، کرد و... و نیز جدایی آذربایجان از ایران می‌پردازیم.

۱. خوابیدن، مردن است!

در سایت اینترنتی گوناخ تی‌وی، در مطلبی با عنوان «به هوش آذربایجان، خوابیدن مردن است» می‌خوانیم:



... در آذر ماه [آذرماه!] امسال با کمال حیرت و شادی شاهد پیدا شدن سه هفته‌ای تلویزیون محبوب ملی آذربایجان جنوبی یعنی گوناز بودیم که شوونیسیم نژادپرست فارسی-ایرانی آن را در همان نطفه خفه کردند تا چشم و گوش یک ملت میلیونی همواره بسته بسته باشد!! اما در کمال تعجب می‌بینیم که تلویزیون‌های کردی [Asosat و Tishk و NewRoz و Rojhelat] نه تنها بسته نشده‌اند بلکه رنگارنگ‌تر و قدرتمندتر از هر زمان دیگری هر روز و هر ساعت با زبان مادریشان ملت خودشان را بیدار می‌کنند و روز به روز بهتر و قوی‌تر از گذشته جنبش‌های حق‌طلبانه خود را تقویت و چشم و گوش تمام ملت کرد را در ایران و تورکیه و عراق و سوریه باز می‌کند، اما ما ملت ترک ایران چه؟! حیرت آور است! از قرائین و شواهد امر مثل روز پیدا است که شوونیسیم نژادپرستانه فارس با سوءاستفاده از مذهب مقدس اسلام و عقاید و باورهای دینی مردم به خصوص ملت ترک ایران سعی بر آن دارد که ما را از خود غافل نموده و تا می‌تواند ضربه سنگین‌تری بر سیاست و اقتصاد و زبان و فرهنگ و تاریخ ملتمان بزند و صبح تا شب دنبال «بیر تیکه چورک» [یک تکه نان] بدود و فارسی نگاه کند(!) و با سیاست و سرنوشت خودش کاری نداشته باشد!!



سایت فارسی گوناز تی‌وی، ۳۱ تیر ۱۳۹۱

... در شرایط حساس کنونی کلاش به دست‌های کرد باید بتوانند ملت خود را بیدار کنند اما با تمام امکانات شیطانی و تکنولوژیک باید و باید از بیداری ملت تورک آذربایجان جنوبی جلوگیری کرد! همان‌گونه که فقط یک «جمهوری آذربایجان» (نه آذربایجان شمالی) در نقشه جغرافیایی وجود دارد همین یک کشور کوچک نیز بماند و ملت میلیونی ترک ایران حق ندارد چشمانش را باز کند و ببیند چه بر سرش می‌آید!!

۲. تحریک به جدایی از ایران

در ادامه مقاله ذکر شده، گونازیان! شیرین عقل، نانجیبانه مردم آذربایجان را به جدایی از ایران فرامی‌خوانند و می‌نویسند:

ملت ترک خیلی وقت است که طعم آزادی و آرامش اقتصادی - سیاسی نچشیده‌اند. ما باید بفهمیم که باید برای ملت خودمان و استقلالمان شب و روز تلاش کنیم و باید بفهمیم که خواسته‌های ملت ما تا حد هیچ جنبش اجتماعی و سیاسی فارسی مثل جنبش سبز و غیر جنبش سبز قابل کوچک شدن نیست. ما همواره باید به بیدارسازی ملت خودمان شب و روز و هر لحظه و هر ساعت آهسته و پیوسته ادامه دهیم و تمام جنبش‌ها و حرکت‌های سیاسی و هر اتفاقی که در هر گوشه دنیا اتفاق می‌افتد هوشیارانه تحت نظر داشته باشیم و از آن به نفع خود و ضرر دشمنانمان استفاده کنیم و این را بدانیم که حق گرفتنی است نه داندنی و ما باید حقدمان را بگیریم. آن هم بهایی دارد که باید بپردازیم مانند همه ملت آزاد دنیا. ما نباید ملت خودمان را به تظاهرات خیابانی پراکنده و قابل سرکوب ترغیب کنیم بلکه تمام ملت‌مان را بیدار و بیدارتر کنیم...

تا کی می‌خواهید وطن خود را ویران ببینید و سنگ وطنی به اسم ایران را که جز بدبختی و توهین به ملیت و زبان و اجدادمان ارمغانی بر ایمان نداشته را به سینه بزنید... کمی باید به غیرت خود آفرین بگوییم زیرا اعراب فلسطین پس از اینکه سرزمین خود را به ازای پول به یهودی‌ها فروختند، اکنون بیش از ۶۰ سال هست که برای باز پس گرفتن وطن خود دلیرانه می‌جنگند. چون می‌دانند وطن یعنی ناموس، مادر، خواهر، زن... ولی ما تورکان که وطنمان به زور ۷ پارچه (باکو-



تبریز - گرجستان - داغستان - نخجوان - ایروان - قره‌باغ) شده است و پولی بهمان ندادند که هیچ، به نوامیس‌مان تجاوز نمودند و هموطنانمان را قتل‌عام و شکنجه نمودند، ساکت و آرام نشستیم و لب به اعتراض و اعاده حیثیت و حق و وطنمان نمی‌گشاییم و اکنون دشمن پرورتر گشته و به شکل دیگری شروع به ذوب و نابودی آذربایجان در قسمت جنوبی نموده است و از آن همدان، لرستان و کردستان و فارسستان درست نموده و از آذربایجان غربی، کردستان جدید می‌زایاند و قزوین را به فارسستان واردبیل و بندرانزلی را به گیلکستان بدل نموده و ما با غیرتی سوزان فقط نظاره‌گریم و بس...^۱

تحریک احساسات مردم آذربایجان علیه حکومت و مردم مناطق فارس زبان ترفند و دیسیسه متعفن‌ی است که دستگاه جهنمی ساواک پهلوی بدان دست یازید تا مانعی برای اتحاد و اتفاق مردم آذربایجان با برادران و خواهران دینی و هموطن خود ایجاد نماید و سدی در برابر پیشرفت و پیروزی انقلاب اسلامی بسازد. گویی گردانندگان گوناگون تی‌وی با سران ساواک هم‌پیماله بوده و در محضر آنان تلمذ نموده‌اند! ثابتهی مدیر کل امنیت داخلی ساواک در اسفند ۱۳۵۶ با اوج‌گیری امواج توفنده انقلاب اسلامی در دستوری خیلی فوری و سری چنین نوشت:

به نحو مقتضی به اختلافات موجود بین فارس‌ها و ترک‌ها دامن زده و از این جریان به نحو مطلوب بهره‌برداری و نتایج حاصله اعلام (گردد).

امنیت داخلی: توسط منابع و عوامل دیگر نسبت به پیاده کردن این دستور اقدام شود.



1. www.gunaz.tv/per/14/articleCat/1/articleID/2466.html

۳. نوید بی شرمانه فروپاشی ایران!

در مطلب دیگری به تاریخ چهارشنبه ۱۶ مه ۲۰۱۲/۲/۲۷، اردیبهشت ۱۳۹۱ با عنوان: «آیا ایران به سوی فروپاشی پیش می‌رود؟» شیرین عقلی به اسم محبوب امراهی که خود را فعال مستقل حرکت ملی آذربایجان جنوبی معرفی کرده است، با قلم زهرآگینی ضمن بهانه قرار دادن نفوذ فراوان زبان فارسی در زبان آذری و خطر آن برای آینده این زبان، به نفی و ادامه موجودیت کشور واحد ایران پرداخته و در اعترافی آشکار نوشته است: «دول غربی نیز از مدت‌ها قبل، ایران یکپارچه را تهدیدی برای منافع خود می‌دانند.» این اعترافی در خور دقت برای همکاری و هم‌سویی دولت‌های اروپایی و امریکا با تجزیه‌طلبان ایرانی و به ویژه آذربایجانی است! فرازهای اصلی نوشته مذکور چنین است: ... طرح دیگر رژیم ایران که به اجرا درآمد پروژه ایجاد شبکه‌های استانی بود. این پروژه نیز تحت شعار باروری زبان‌ها و فرهنگ‌های بومی سیاست آسیمیلیسیون^۱ و «تثبیت ارضی سرزمین‌های فارسی» را در پیش می‌گرفت. به طوری که با استفاده بی حد و حصر از واژگان و ساختارهای گرامری فارسی در لهجه‌های مختلف زبان ترکی، زبانی را به وجود می‌آورد که در فرهنگ لغات جنبش آذربایجان از آن به عنوان زبان فاذری (فارسی + آذری. فارکی = فارسی + ترکی) یاد می‌شود. از سویی به غلط تصور می‌شد که این زبان سبب آموزش و ترویج هر چه بهتر زبان فارسی به کسانی که کلاً با آن ناآشنا هستند می‌شود. اقشار بالا دست جامعه (همچون شهرداران، فرمانداران، و کلای مجلس و...) در کانال‌های تلویزیون محلی یا کلاً به زبان فارسی صحبت می‌کردند و یا به زبانی فاذری، فارکی تر! یعنی تعداد استفاده از کلمات و ساختارهای فارسی در این زبان برساخته، نشانگر طبقه اجتماعی افراد بود تا جایی که سعی می‌شد در یک جمله تنها و تنها فعل‌ها به زبان تورکی به کار گرفته شوند و حتی در بیشتر موارد آن افعال نیز برای فارس‌سازسیون بیشتر با فعل کمکی استفاده می‌شدند.

۱. آسیمیلیسیون در لغت به معنای متشابه‌سازی است و در علوم انسانی پروسه‌ای است که موجب مستحیل شدن افراد یا گروه‌های قومی متفاوت در فرهنگ حاکم جامعه می‌شود. آسیمیلیسیون در واقع شدیدترین حالت فرهنگ‌پذیری است و ممکن است از طریق اعمال زور یا داوطلبانه انجام گیرد. تغییر هدف‌دار زمانی اتفاق می‌افتد که یک گروه، سلطه بر دیگری را از طریق اشغال نظامی یا کنترل سیاسی برقرار کند.





... با مداخله ایدئولوژیک ایران در امور داخلی جمهوری آذربایجان تنها راهی که پیش پای دولتمردان جمهوری آذربایجان و به تبع آن ترکیه به عنوان متحد او باقی می‌گذارد، حمایت آنان از «جنبش آذربایجان» با نام «حرکت ملی آذربایجان جنوبی» است...

در عصر فروپاشی ایدئولوژی‌ها، هیچ ایدئولوژی‌ای در ایران نیز نمی‌تواند عامل وحدت و «عرق ملی» باشد. تأکید بر ایران و ایران‌گرایی، تنها عنصر حاکم یعنی «فارس هویت‌ها» و به عبارت دیگر مرکز‌گرایان را متحد خواهند کرد. بر خلاف بسیاری از صاحب‌نظرانی که سعی دارند تا با دشوار نشان دادن مسیر فروپاشی ایران مانع این امر شوند، فروپاشی ایران بدون خونریزی صورت خواهد گرفت. کشورهای تورکیه و جمهوری آذربایجان در لحظه فروپاشی ایران ناگزیر لاقبل به دلایل امنیتی مداخله خواهند نمود. این در حالی است که در طول دوره زمامداری اسلامی در ایران آنان به درستی درک کرده‌اند که با ایرانی که دارای ساختاری اقتدارطلب و نژادگرایانه است، نمی‌توانند کنار بیایند. روی دیگر سکه آن است که دول غربی نیز از مدت‌ها قبل به این نتیجه رسیده‌اند که ایران یکپارچه را تهدیدی برای منافع خود می‌دانند...^۱

۴. مخالفت با نهادهای حاکمیتی جمهوری اسلامی مانند خبرگان رهبری

مجلس خبرگان یا مجلس چاکران: مجلس خبرگان رهبری در تاریخ ۲۴ مرداد سال ۱۳۶۲ هجری شمسی پایه‌گذاری شده است. مجلسی متشکل از روحانیون محافظه‌کار شیعه که در ادبیات جمهوری اسلامی ایران فقیهانی هستند که در علوم سنتی اسلام به درجه اجتهاد رسیده باشند. وظیفه این مجلس همان طوری که در اصل ۱۰۷ قانون اساسی جمهوری بیان شده است تعیین رهبری حکومت و نظارت بر عملکرد وی می‌باشد. این مجلس تاکنون در سرنوشت کشور هیچ تأثیری نداشته و مجلسی مردانه، کاملاً خنثی و اعضای آن مطیع و فرمانبردار رهبری حکومت بوده‌اند. نمایندگان مجلس خبرگان برای یک دوره ۸ ساله انتخاب می‌شوند. انتخابات مجلس پنجم خبرگان در تاریخ ۷ اسفند ۱۳۹۴ شمسی هم‌زمان با انتخابات مجلس شورای اسلامی برگزار



خواهد شد. برای انتخابات مجلس خبرگان رهبری از ۷۹۴ نفر که ثبت نام کرده بودند، فقط صلاحیت ۱۶۶ نفر توسط شورای نگهبان تأیید شده و وزارت کشور نتیجه را به داوطلبان ابلاغ کرده است. در حقیقت صلاحیت حدود ۲۰/۹ درصد داوطلبان تأیید شده و بقیه به طرق مختلفی از ادامه رقابت‌ها بازمانده‌اند... بیشتر نامزدها انتصابات خود [آیت‌الله] خامنه‌ای به عنوان نماینده خود در استان‌ها می‌باشند که دائماً به تعریف و تمجید وی و تخریب منتقدان پرداخته‌اند. ادبیات سخن این افراد همواره هم‌سو و در تأیید اظهارات و نظرات رهبری حکومت بوده است. هم اکنون درصد عمده‌ای از نامزدها موقعیت و جایگاه سیاسی خود را مرهون رهبر می‌دانند و قطعاً وی را در مجلس خبرگان حمایت خواهند کرد.

... افرادی که برای مجلس خبرگان انتخاب خواهند شد مثل همیشه در نقش چاکر، مطیع و فرمانبردار رهبر ظاهر خواهند شد تا از این طریق بتوانند غنائم حکومتی را برای خود و نزدیکانشان کسب کنند و پایه‌های موقعیت و جایگاه سیاسی خود را استحکام بخشند... این مجلس هم



مانند مجلس‌های پیشین به مثابه ابزار تشریفاتی خواهد بود که در مواقع لازم هسته اصلی قدرت و رهبری حکومت خواهد توانست از اعضای آن به عنوان ابزاری در جهت اهداف و خواسته‌های خود در طول ۸ سال نمایندگی استفاده نماید. در صورتی که به افکار عمومی جامعه چنین القا خواهد شد که وظیفه آنها تعیین جانشین علی خامنه‌ای بعد از مرگ وی می‌باشد. تحلیل سیاسی گوناز تی‌وی ۲۲ بهمن ۱۳۹۴ هجری شمسی.^۱

۵. اکنون نوبت فتنه قرمز است!



شبکه «گوناز تی‌وی» روز شنبه ۱۰ تیر ۱۳۹۱ (June ۳۰) در خبری از «فتنه قرمز» در آینده نزدیک خبر داد و جواد بی‌مجری این شبکه از طرفدارانش خواست در تجمعاتشان از پرچم قرمز استفاده کنند. وی در این مورد گفت: «رنگ قرمز رنگ

پرچم آذربایجان است و این رنگ قرمز بر گرفته از خون «بابک خرم‌دین» است.» این مجری تجزیه‌طلب در ادامه خواستار سوءاستفاده از استادایوم‌های ورزشی و بازی‌های تیم تراکتورسازی برای پیشبرد اهداف شوم «پان‌ترکیسم» شد و گفت:

همه جای آذربایجان را قرمز کنید. سعی کنید از بازی‌های تراکتورسازی نهایت استفاده را کنید و پرچم قرمز را در جای جای آذربایجان برافراشته کنید. ما حق اشتباه کردن نداریم. این پرچم، پرچم بابک خرم‌دین است. همزمان با سالگرد تولد بابک خرم‌دین تجمعاتی در قلعه بابک هر ساله به مدت یک هفته انجام می‌شده است، اما متأسفانه سپاه پاسداران توانست این تجمعات را کنترل کند.

وی در ادامه به دست داشتن کشورهای همسایه در تجمعات غیر قانونی قلعه بابک اعتراف کرده و گفت:

1. <http://www.gunaz.tv/?id=4&vmode=1&SID=3106&lang=2>

نه فقط پان ترکیسم‌های ایران بلکه پان ترکیسم‌ها از کشورهای همسایه هم در این تجمعات شرکت کرده و سعی می‌کردند در این تجمعات نقشی ایفا کنند. این تجمعات چند سال ادامه پیدا کرد اما متأسفانه دولت ایران توانست این تجمعات را کنترل کند.

لازم به ذکر است که باشگاه فوتبال تراکتورسازی تبریز در بین طرفداران ترک خود به عنوان تیراخور شناخته می‌شود و در سال ۱۳۴۹ شمسی با حمایت کارخانه تراکتورسازی در شهر تبریز بنیان گذاری شد. هم اکنون تحت مسئولیت سپاه عاشورا است. سپاه عاشورا نقش مهمی در حل مسائل مالی باشگاه تراکتورسازی دارد و این تیم از امکانات ورزشی این ارگان استفاده می‌کند. همچنین ۳۰ درصد سهام باشگاه متعلق به «مؤسسه مالی و اعتباری کوثر» می‌باشد. علاوه بر این «مؤسسه مهر ایرانیان» وابسته به سپاه پاسداران و شرکت سایپا از دیگر سهامداران و متولیان این باشگاه محسوب می‌شوند.^۱

تراکتورسازی پرتماشاگرترین تیم لیگ برتر در فصل‌های ۸۹-۱۳۸۸ و ۹۰-۱۳۸۹ و ۹۱-۱۳۹۰ و ۹۲-۱۳۹۱ و ۹۳-۱۳۹۳ است. این باشگاه پیش‌تر تعدادی تماشاگر ثابت در ورزشگاه و هوادارانی در داخل تبریز داشت، اما اکنون هواداری از این تیم به سراسر آذربایجان و برخی شهرهای دیگر ایران رسوخ کرده است؛ به گونه‌ای که در چندین بازی در چهار چوب لیگ برتر استادیوم‌های استان‌های البرز، قزوین، قم و گیلان نیز در برخی بازی‌ها پذیرای هواداران پرتعداد تراکتورسازی بوده‌اند. مشخصاً هواداران تراکتورسازی پس از راهیابی به لیگ برتر در سال ۸۸ حضور پرشماری در استادیوم آزادی تهران و در برابر سرخابی‌های این شهر داشته‌اند.

با اینکه تراکتورسازی تنها یک باشگاه ورزشی است، اما امروزه برای هواداران این تیم در ایران جذابیتی فراتر از این دارد و به پدیده‌ای اجتماعی و ناسیونالیستی بدل شده است.^۲ درصد بالایی از طرفداران، چندان به بازی فوتبال و نتایج آن کار ندارند و به دنبال یک تجمع بی‌خطر هستند تا وجود خود را ابراز کنند، به گونه‌ای که برخی از هواداران تراکتورسازی رابطه خود و آذربایجان را با باشگاه فوتبال بارسلونا و کاتالونیا مقایسه می‌کنند.^۳

علاوه بر این، تعدادی از بازی‌های این تیم به طور ضمنی صحنه استفاده برخی از

۱. سایت اینترنتی ویکی‌پدیا با جست‌وجوی: باشگاه تراکتورسازی تبریز.

۲. حمید سمتی، گزارش ویژه درباره پدیده سال؛ تراکتورسازی و هوادارانش. وبگاه گل، ۲ اسفند ۱۳۸۸.

۳. تراختور، بارسلونا و فردوسی پور، تابناک، ۲۹ دی ۱۳۸۹.





گروه‌های قوم‌گرا و پان‌ترک شده است. این حرکات شامل سردادن شعارها و بردن پارچه‌نوشته‌هایی قوم‌گرایانه (به عنوان نمونه در ۳۰ بهمن ۱۳۸۸ در بازی با تیم سایپای کرج در ورزشگاه انقلاب کرج) مانند: «روز جهانی زبان مادری مبارک» و «مدرسه ترکی برای همه ترک‌زبانان باید ایجاد شود» بوده و به درگیری با مأموران نیروی انتظامی کشید.^۱

شماری از افراد مشکوکی که خود را هوادار تراکتورسازی وانمود می‌کردند در مقطعی شعار «خلیج عربی» و تشویق آتاترک سرداده‌اند.^۲

این رویکردها از طرف محافل ورزشی، سیاسی و قریب به اتفاق مردم آذربایجان مورد اعتراض و انتقاد قرار گرفته‌اند. اگر قرار باشد عده‌ای آذربایجانی‌ها را با تراکتورسازی در یک طرف قرار دهند و این تیم را به عنوان آرمان و نماد آذری‌ها برای مقاصد خود معرفی کنند، می‌تواند هزینه‌های فراوانی برای کشور به همراه بیاورد، چرا که همین عده در صورت در نظر گرفتن محرومیت انضباطی جدی برای این تیم، شعارهای نژادپرستانه سر خواهند داد و در واقع یک قوم را سپر امیال شخصی خویش خواهند ساخت که می‌تواند منجر به آشوب شود... گروهی بر طبل قومی ساختن این تیم می‌کوبند و در همین شرایط است که برخی گروه‌های منتسب به پان‌ترکیسم پرچم‌ها و نمادهای جدایی‌طلبانه‌شان را نیز به ورزشگاه آورده، می‌کوشند رفتارهای خلافشان را به هواداران واقعی و فهیم تراکتورسازی تسری دهند که همواره با هوشیاری وطن‌دوستانه آنان مواجه می‌شوند.

بر این اساس افزایش دقت عمل دستگاه‌های نظارتی با این حرکات به افزایش هوشیاری مردم خون‌گرم آذربایجان در فاصله گرفتن از اشخاص شیادی که قصد دارند با سوءاستفاده از احساساتشان به مقاصد اقتصادی یا سیاسی خود دست یابند، کمک ویژه‌ای خواهد کرد تا حساب خود را از این عده جدا کنند و با فاصله گرفتن از گروهی که اهدافی غیر از شور و نشاط ورزشی را دنبال می‌کنند و نگاهی سیاسی به این باشگاه فرهنگی ورزشی دوخته‌اند، این دسته را در رسیدن به امیال مرض‌آلود شخصی‌شان

۱. اردوان روزبه: گزارشی درباره تیم تراکتورسازی تبریز؛ «یاشاسین تراکتور». سایت اینترنتی رادیو زمانه، ۱۳۸۸.

۲. اسفندیار مغموم: فوتبال با سیاست نمی‌خواهیم، سایت اینترنتی رادیو زمانه، ۱۳۹۰/۱۲/۱. دای: آنها که توهین کردند خودشان بی‌غیرت هستند/ در تبریز کسی برای فوتبال به ورزشگاه نمی‌آید. وبگاه گل، ۱۸ سپتامبر ۲۰۱۰.

ناکام بگذارند.^۱

به یقین مدیریت سپاه عاشورا بر این باشگاه مانع از سوءاستفاده غیر خودی‌ها و جریان‌های بیگانه‌طلب و حداقل مشکوک از احساسات پاک هواداران تیم تراکتور/ تراختور خواهد بود.

۶. نوکری رژیم دین‌ستیز باکو

شبکه گوناگون تی‌وی در عمل به دستور امریکا و اسرائیل حلقه نوکری رژیم دین‌ستیز باکو را به گوش افکنده است و در گفتار و نوشتارهایش به بزرگنمایی دروغین از قدرت و نقش رژیم علی‌اوف در منطقه می‌پردازد، همسایگان را از قدرت واهی اقتصادی و نظامی آن می‌ترساند! و آینده روشنی را به مردم آذربایجان ایران در صورت پیوستن به این جمهوری نوید می‌دهد! این در حالی است که این رژیم هنوز هم به کمک‌های مالی و اقتصادی امریکا وابسته است، اسلام‌ستیزی در آن اوج گرفته، کوچک‌ترین احترام و حقوقی برای مخالفان به ویژه احزاب اسلام‌گرا قائل نیست، زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌هایش پر از فعالان حقوق بشر و اعضای تشکل‌های اسلامی است و پخش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی به زبان‌های اقوام غیر آذری ساکن جمهوری مانند: تالش، لزگ، آوارها، تات‌های فارسی زبان و... که حدود ۴۰ درصد از اهالی را تشکیل می‌دهند، ممنوع است! بر طبق قانون اساسی آذربایجان:

روحانیون نمی‌توانند فرماندار و نماینده مجلس و روستا و شهر شوند.
دین آزاد است و هر کس می‌تواند هر دینی را بپذیرد و آیین‌های مذهبی
آن را اجرا کند، ولی فقط دین اسلام حق تبلیغ در مجموعه عمومی و
اجتماعی کشور را دارد... دین از سیاست جدا است.

با این حال فرقه ضاله بهائیت که دشمن اسلام و مسلمین است، با چراغ سبز حکومت آذربایجان در آنجا به طور آشکار به فعالیت و تبلیغات می‌پردازد و بانزدیکی الهام علی‌اوف به حکومت پادشاهی عربستان، وهابیت در آذربایجان نفوذ کرده و بخشی از معلمان، اساتید دانشگاه، دانشجویان، پزشکان و... را تحت تأثیر قرار داده است.

۷. اتهام حمایت ایران از دشمنان آذربایجان و اشغالگران قره‌باغ

گاهی برخی از کاربدستان جمهوری آذربایجان و مزدوران آنها در قالب احزاب و حرکت‌های تجزیه‌طلب (از جمله گوناگون تی‌وی) ادعا می‌کنند:

۱. استمرار رفتارهای غیر مسئولانه درباره تراکتورسازی، سوءاستفاده علنی از احساسات پاک آذری‌ها، تابناک، ۱۳ بهمن ۱۳۸۸.



ارمنستان با کمک‌های نظامی ایران توانست منطقه قره‌باغ را که ۲۰ درصد از خاک جمهوری آذربایجان است را اشغال کند و با ادامه این کمک‌ها توان نگهداری مناطق اشغالی را به دست آورد!



موقعیت قره‌باغ

توضیح اینکه پس از انعقاد قرارداد گلستان و ترکمانچای روس‌ها اقدام به کوچاندن ارمنه ایران به منطقه تحت تسلط خود کردند و ایالات مسلمان‌نشین ایروان و قره‌باغ را برای اسکان ارمنه تازه‌وارد در نظر گرفتند. پس از جنگ‌های عثمانی و روسیه، ارمنه مناطق شرقی امپراتوری عثمانی که همراه روس‌ها علیه عثمانی‌ها وارد جنگ شده و پیروزی‌هایی به دست آورده بودند پس از عقب‌نشینی روس‌ها مجبور به مهاجرت به داخل مرزهای روسیه شده و ترکیب جمعیتی خان‌نشین ایروان و قره‌باغ را به نفع ارمنه تغییر دادند. بر اساس آماري که موگیلوسکی و ژنرال ارملوف در سال ۱۸۲۳ ارایه داده‌اند در ایالت قره‌باغ ۹۰ هزار نفر در ۶۰۰ روستا زندگی می‌کردند که ۱۵۰ تا از آنها ارمنی‌نشین بوده‌اند. همچنین در شهر شوشی هزار و ۴۸ خانوار مسلمان و ۴۷۹ خانوار ارمنی زندگی می‌کرده‌اند.^۱

بنابه گفته امیر احمدی بر اساس سرشماری نفوس سال ۱۸۹۸ در قره‌باغ ۵۴ هزار و ۸۷۱ خانوار وجود داشته است که ۲۹ هزار و ۳۵۰ خانوار آذربایجانی بوده‌اند؛ به این

1. Yoshimura, Takayuki (2005) Some Arguments on the Nagorno-Karabagh History, Tokyo University Foreign Studies. S: 54. (نقل از ویکی‌پدیا)



باکو ساهاکیان، رئیس جمهور منطقه خودمختار قره‌باغ

ترتیب جمعیت ارمنه قره‌باغ از ۹ درصد در سال ۱۸۲۳، به ۳۵ درصد در میانه قرن نوزدهم و ۴۰ درصد در اواخر قرن نوزدهم رسیده که در پایان جنگ جهانی اول به ۷۰ درصد جمعیت قره‌باغ افزایش پیدا کرده است.^۱ بعد از آن نیز سیاست مهاجرت ارمنه منجر به این شد که نهایتاً در سال ۱۹۷۹ حدود ۷۶ درصد از جمعیت قره‌باغ را ارمنه تشکیل می‌دادند.^۲

با وجود این، قره‌باغ همچنان بخشی از خاک جمهوری آذربایجان بود و ساکنان آن را آذری‌ها و ارمنی‌ها

تشکیل می‌دادند. پس از استقلال ارمنستان و آذربایجان از امپراتوری روسیه در ۱۹۱۸م، آذربایجان و ارمنستان هر دو ادعای حاکمیت بر آن منطقه را داشتند. پس از تثبیت سلطه اتحاد جماهیر شوروی، این ناحیه در سال ۱۹۲۳م به جمهوری سوسیالیستی آذربایجان شوروی واگذار شد. در واپسین سال‌های اتحاد شوروی اختلاف بین ارمنستان و آذربایجان بر سر قره‌باغ شروع گردید. از سال ۱۹۹۱م موضوع رفتارندوم در این ناحیه همراه با نزاع قومی خشن و خونین بین آذری‌ها و ارمنی‌ها در مقیاس گسترده و دخالت آذربایجان و ارمنستان به نفع یکی از دو طرف، جنگ قره‌باغ کوهستانی را بین سال‌های ۱۹۹۴-۱۹۹۱ به راه انداخت. ارمنستان با نیروی نظامی و تجهیزات جنگی قوی‌تر تمام منطقه را که ۲۰ درصد خاک آذربایجان را شامل می‌شد، اشغال نمود و با کشتار و اخراج وسیع



آذری‌ها از منطقه، حکومت جمهوری خودخوانده قره‌باغ را تشکیل داد و با اخراج کامل آذربایجانی‌ها از قره‌باغ، ترکیب جمعیتی منطقه مذکور صد در صد ارمنی‌نشین شد. طی این اشغالگری مساجد منطقه توسط ارمنی‌ها طبق تصاویر

۱. بهرام امیراحمدی، «قره‌باغ از دیروز تاکنون؛ بررسی رویدادها»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، ۱۳۳۳، ص ۱۳۹.

2. Kuburas, Melita (2011) *Ethnic Conflict in Nagorno- Karabakh, Review of European amd Russian Affairs*, No 6. (نقل از ویکی پدیا)



منتشر شده در اینترنت، به طویله حیوانات تبدیل شده‌اند و بقیه نیز همراه با گورستان‌های مسلمانان با خاک یکسان گشتند.

ادعای کمک ایران به ارمنستان و یا حمایت از آن کشور در برابر آذربایجان به کلی کذب و به دور از واقعیت است. ایران نه از ارمنی‌ها بلکه از برادران مسلمان آذری خود حمایت‌های بسیار نمود و هنوز هم قره‌باغ را خاک آذربایجان می‌داند که اشغال شده است. اما اکنون که به ادعای آقایان «جمهوری آذربایجان قوی‌ترین و پیشرفته‌ترین ارتش منطقه را با کمک‌های غرب در اختیار دارد»، پس چرا مناطق اشغال شده خود توسط ارمنستان را بازپس نمی‌گیرند؟!



سربازان منطقه خودمختار ناگورنو-قره‌باغ

ناگفته‌های حجت‌الاسلام والمسلمین سید حسن عاملی پیرامون حمایت‌های ایران از آذربایجان در برابر هجوم ارمنستان

حجت‌الاسلام والمسلمین عاملی^۱ امام جمعه شهر اردبیل شخص مطلعی درباره مناقشه قره‌باغ و کمک‌های ایران به مردم و نیروهای نظامی آذربایجان در برابر تهاجم ارمنستان است. وی در پیامی به مناسبت برگزاری همایش نکوداشت حاج «علی اکرام» واقعیت‌های ناگفته‌ای از این کمک‌ها را - که دولت‌یان امکان بازگویی آنها را ندارند - چنین برشمرد:

۱. حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر سید حسن عاملی، متولد ۱۳۴۱ اردبیل است. او دکتری در رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی از دانشگاه تهران دارد و نماینده ولی فقیه در استان اردبیل و امام جمعه شهر اردبیل از آبان ۱۳۸۱ می‌باشد.



حجت الاسلام عاملی

... جمهوری اسلامی ایران از یک سو باید انقلاب اسلامی را که دسترنج خون هزاران شهید بود (از تهاجم امریکا و صهیونیسم) محافظت می کرد و از طرف دیگر نسبت به خشونت های غیر انسانی ارامنه بی تفاوت نبوده و نظاره گر کشتار شیعیان نباشد. بنابراین یک سیاست بینابینی در پیش

گرفته شد... و آن حمایت و آموزش ارتش جمهوری آذربایجان و ایجاد دسته های مقاومت و فرستادن سلاح و مهمات و تعلیمات نظامی برای ارتش این کشور و قرار دادن طرح های نظامی در اختیار ارتش جمهوری آذربایجان بود.

در مقیاسی بالا و به صورت های آشکار و پنهان، اقدامات گوناگونی از سوی ایران صورت گرفت. جوانان بسیاری از جمهوری آذربایجان برای آموزش های چریکی و پارتیزانی به ایران آمدند. ده ها ماشین سلاح برای حمایت از شهر شوشا در اختیار جوانانی گذارده شد که در آرزوی داشتن اندک تجهیزات نظامی بودند. همچنین با موافقت حکومت وقت و با درخواست روشن جواداف و رحیم قاضی اف و برای ایجاد سیستم دفاعی، قرارگاه مشترک ایجاد شد و در این قرارگاه ها امیران و افسران اردبیلی و تبریزی با جان و دل به برادران آذری خود کمک کردند و شبانه روز برای جلوگیری از تجاوز ارامنه تلاش کردند و اردوگاه های حمایت از آوارگان جنگی تشکیل دادند.

به همین بسنده می کنم، چرا که اگر بخواهیم همه کمک ها را یادآور شویم، یک کتاب مطلب خواهد بود. ما را متهم به صدور سلاح به ارامنه می کنند که بهتانی از روی رذالت است؛ البته ما برادران آذری خود را سرزنش نمی کنیم، چرا که زیر بمباران تبلیغاتی شبکه های جاسوسی غرب هستند و همه روزه شبهات و افتراهای بسیاری نسبت به برادران دینی خود در ایران به خورد مردم آذربایجان می دهند که





طرح‌ها و تبلیغات آنها از رسانه‌ها، مطبوعات و مراکز خبری شبکه‌های صهیونیستی اجرا می‌شود.

مقامات ایران بنا به ملاحظات سیاسی، هیچ‌گاه این موضوعات را مطرح نکرده و بنابر این ملاحظات، هیچ‌وقت نیز مطرح نخواهند کرد. اما من امام جمعه هستم و در کرسی خطبه نشست‌ام و خواهم گفت تا به پرسش‌ها و شبهات برادرانم پاسخ دهم و حقایق را روشن نمایم... ما نه به آرامنه بلکه برای برادران دینی آذری خود سلاح و مهمات فرستادیم. مراکز آموزش نظامی ایران نه در ارمنستان بلکه در جمهوری آذربایجان قرار داشت و هزاران شاهد زنده در آذربایجان هستند که به این موضوع شهادت بدهند و اگر ذره‌ای انصاف داشته باشند، سخنان من را تصدیق خواهند کرد.

مشارکت مخفی ایران در آموزش نظامیان آذری، امپریالیسم غرب را به چالش انداخت و در پی اقدام تعجیلی برای مقابله با پیامدهای آن برآمدند. اقدامات تعجیلی در منطقه انجام شد و سفارشات پنهانی انجام گرفت. مقامات موساد برای مقابله با فعالیت‌های ایران در جبهه‌های آذربایجان، سفارشات لازم را صورت دادند؛ در این سفارش‌ها، عنوان شد که گویا ایران در صدد ایجاد هسته‌های حزب‌الله در آذربایجان است و فعالیت‌های نظامی ایران در جمهوری آذربایجان با فعالیت در لبنان مقایسه و موجب تشویش اذهان شد.

برای اجرای این مأموریت، این وظیفه به «ولی کیچیک» [به فارسی: کوچک] سپرده شد. در مدت زمان کوتاهی لایحه‌ای حاضر شد و به رهبری ولی کیچیک، تشکیلات خصوصی در آذربایجان دایر و لوازم مورد نیاز برای تغییر در دولت فراهم شد.

... مرحوم روشن جواداف می‌گفت: «پس از انقلاب و ادای سوگند توسط رئیس‌جمهور، ایشان خواستار نخستین دیدار رسمی با بنده شد. من می‌دانستم که ایشان از من درباره طرحی برای آزادی قره‌باغ سؤال خواهد کرد. به همین دلیل، طرح جنگ و عملیات را در پوشه‌ای گذاشته و به دیدار با رئیس‌جمهور رفتم، ولی رئیس‌جمهور به پوشه‌ای که روی میزش بود، اشاره کرده و گفت: از همکاری شما با ایران مطلع هستم.



این پوشه از اسرائیل به ترکیه و از آنجا به جمهوری آذربایجان انتقال داده شده بود). از این به بعد تمامی روابط خود با ایران را باید متوقف کنید. ما به کمک ایران نیازی نداریم. من اگر بدانم که قره‌باغ را می‌توان با کمک ایران پس بگیرم، آن را به ارمنستان تقدیم می‌کنم. قره‌باغ یک مشکل اساسی نیست و در مدت زمان کوتاهی خود به خود حل خواهد شد. جنگ ما با ایران است، ما باید خود را آماده جنگ با ایران بکنیم. دشمن اصلی ما ارمنستان نیست، بلکه فارس‌ها هستند.»

پس از این، همه چیز تغییر یافت. در مرحله نخست، همکاری‌ها قطع شده و از تمامی کمک‌ها خودداری شد و سپس بی‌شرمانه همه کسانی که از ایران برای کمک در جنگ به جمهوری آذربایجان آمده بودند، زندانی شدند. شگفت‌انگیزتر این که آنها توسط بازجویان اسرائیل و ترکیه بازجویی و شکنجه شدند. مدت‌ها بعد، همه این خدمات و کمک‌ها خیانت قلمداد شد! افرادی که در ایران آموزش دیده بودند، بازداشت و زندانی شده و زیر شکنجه وادار به اعترافی مبنی بر این شدند که آنها نه برای آزادی قره‌باغ، بلکه برای منافع ایران و تشکیل حزب‌الله آموزش دیده‌اند!

... سردمداران حکومت آذربایجان فعلاً در رؤیای پول‌های خود در بانک‌های یهودیان هستند و به این زودی به فکر قره‌باغ و این مردم نخواهند بود...^۱

افشاگری یکی از مقام‌های سیاسی ایران

پس از مدتی، یک مقام عالی‌رتبه سابق ایرانی - که در زمان جنگ قره‌باغ در جایگاه مهمی در رأس هرم دیپلماسی ایران قرار داشت و خواست نامش فاش نشود - در گفت‌وگو با خبرنگار شبکه جهانی سحر پیرامون کیفیت و کمیت کمک‌های ایران به آذربایجان که مواجه با تهاجم سنگین ارمنستان شده بود، فاش ساخت:

فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران در زمان جنگ قره‌باغ به جمهوری آذربایجان اعزام شدند و به تعلیم مبارزان و نظامیان این



جمهوری پرداختند. اما زمانی که حیدر علی اف^۱ رئیس سابق جمهوری آذربایجان دید که فرماندهان سپاه محاسن دارند و نماز به پا می‌دارند، آنها را از جمهوری آذربایجان بازگرداند. اطلاعات فاش شده توسط آیت‌الله سید حسن عاملی امام جمعه اردبیل در خصوص کمک‌های نظامی ایران به جمهوری آذربایجان، حقایق محرمانه‌ای بوده که تاکنون رسماً اعلام نشده است.

وقتی حیدر علی اف دید که آموزش دیدگان در جنگ قره‌باغ نه تنها تعلیم نظامی دیده‌اند، بلکه به لحاظ عقیدتی هم تحت تأثیر فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قرار گرفته‌اند و مبارزان آذری نیز به نماز خواندن روی آورده‌اند و محاسن می‌گذارند، ایرانیان را اخراج کرد.

بارها حیدر علی اف به دولت ایران پیغام داد که نانوائی‌های جمهوری آذربایجان بدون آرد مانده‌اند و دولت ایران نیز بلافاصله کامیون - کامیون آرد فرستاد و باکو حتی بعدها که با ارمنستان قرارداد آتش بس امضا کرد و با وجود درآمدهای نفتی هیچ‌گاه بهای آنها را پرداخت نکرد.

با آنکه جمهوری اسلامی ایران به جمهوری آذربایجان کمک‌های بی‌دریغی کرد، حیدر علی اف که در مذاکرات محرمانه از کمک‌های ایران قدردانی می‌کرد، وقتی در مقابل خبرنگاران قرار می‌گرفت، به طور تعجب‌آوری با ظرافت و سیاسی‌کاری‌های خاص خود، ایران را به کمک به ارمنستان متهم می‌کرد! اما دولت ایران با رعایت ملاحظات سیاسی آن زمان، کمک‌های خود به جمهوری آذربایجان را برای مقابله با بحران قره‌باغ علنی نمی‌کرد و به سیاسی‌کاری‌های حیدر علی اف نیز واکنش جدی نشان نمی‌داد.^۲

۱. حیدر علی اف (۱۹۹۸-۱۹۹۳، ۲۰۰۳-۱۹۹۸) فرزند علیرضا متولد ۱۰ می ۱۹۲۳ و در گذشته ۱۲ دسامبر ۲۰۰۳. او با یک کودتا علیه ایلچی بیک حکومت را از سال ۱۹۹۳ تا سال ۲۰۰۳ میلادی با عنوان سومین رئیس جمهور آذربایجان به دست گرفت. وی که درجه سرتیپی شوروی داشت پیش‌تر سمت‌های بسیار مهمی عهده‌دار بود مانند: بیست سال نماینده شورای عالی (مجلس) اتحاد جماهیر شوروی، پنج سال معاونت رئیس شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی، عضویت در دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی از سال ۱۹۸۲، معاون اول رئیس شورای وزیران اتحاد جماهیر شوروی و یکی از رهبران اتحاد جماهیر شوروی از سال ۱۹۸۲.

بخشی از نیروهای افغانی گلبیدین حکمتیار^۱ نیز برای کمک به آذری‌ها توسط نیروهای ایرانی به قره‌باغ منتقل شدند. مقام سابق ایرانی در این مورد گفت:

آموزش و انتقال مجاهدین افغان تحت امر گلبیدین حکمتیار برای کمک به جمهوری آذربایجان در جنگ قره‌باغ نیز از دیگر کمک‌های ایران به این کشور همسایه و برادر بود.^۲



ایلچی بیگ

نظریات افشار سلیمانی سفیر اسبق ایران در باکو

در سال ۱۳۹۰ آقای افشار سلیمانی سفیر اسبق ایران در باکو به هنگام ضبط برنامه «تاریخ معاصر» (ان‌یونی تاریخ) شبکه آن.اس. بخشی از کمک‌های نظامی ایران به جمهوری آذربایجان در اوایل استقلال این جمهوری را بیان داشت که با مخالفت شدید پناه‌حسین نخست‌وزیر زمان ریاست جمهوری ابوالفضل ایلچی بیگ^۳ مواجه شد.

۱. گلبیدین حکمتیار در ۱۹ عقرب (آبان) سال ۱۳۲۶ هجری شمسی مطابق با ۱۹۴۷ میلادی در ولسوالی امام صاحب از ولایت شمالی کندز افغانستان به دنیا آمد. برای دوره کوتاهی رشته مهندسی را در پوهنتون کابل تعقیب نمود ولی قبل از تکمیل تحصیل بر اثر فعالیت‌های سیاسی از آنجا اخراج گردید. در سال ۱۳۴۹ نهضت جوانان مسلمان را تأسیس نمود. در سال ۱۳۵۲-۱۳۵۱ زندانی گردید. پس از کودتای محمد داودخان در پاکستان اقامت گزید و با کمک حکومت پاکستان حملات چریکی را علیه حکومت کمونیستی افغانستان آغاز نمود. حکمتیار در سال ۱۹۷۷م حزب اسلامی را که سازمانی سیاسی- نظامی در افغانستان است تأسیس نمود. این سازمان از زمان تأسیس خود با تمام حکومت‌هایی که در افغانستان به قدرت رسیده‌اند؛ یعنی حکومت محمد داودخان نخستین رئیس جمهور افغانستان، حکومت سوسیالیستی حزب دمکراتیک خلق، دولت مجاهدین به رهبری برهان‌الدین ربانی، حکومت طالبان و دولت حامد کرزی، جنگیده است. البته آنها در اکثر سال‌های جنگ مذاکراتی را با دولت‌هایی که علیه آنها می‌جنگیده‌اند داشته‌اند اما هیچ یک از این مذاکرات در نهایت به پایان جنگ منجر نشده است.

<http://www.mashreghnews.ir/fa/news/65376>; ۱۳۹۰/۰۶/۱۵.۲

۲. ابوالفضل ایلچی بیگ (زاده ۲۴ ژوئن ۱۹۳۸ در نخجوان- در گذشته ۲۲ اوت ۲۰۰۰ در آنکارا) در روستای «کرکی» نخجوان آذربایجان در سال ۱۹۳۸ به دنیا آمد. پدرش قادرقلی اهل آذربایجان ایران و مادرش اهل آناتولی ترکیه بود که به روستای کرکی کوچ کرده و با پدر ایلچی بیگ ازدواج کرد. پدر ایلچی بیگ در سال ۱۹۴۳ در جنگ جهانی دوم شرکت کرد و دیگر خبری از وی نشد. ابوالفضل ایلچی بیگ بین سال‌های ۱۹۶۲-۱۹۵۷ میلادی در دانشگاه دولتی آذربایجان و در دانشکده «زبان‌های شرقی» در رشته زبان عربی تحصیل کرد و در همان سال‌ها در دانشکده محل تحصیل خود «کانون تاریخ‌شناسی آذربایجان» را تأسیس نمود. وی در طی سال‌های ۱۹۶۳-۱۹۶۴ به عنوان مترجم در کشور مصر فعالیت داشت و در سال ۱۹۷۱ برای استقلال آذربایجان فعالیت خود را شروع کرد که بر اثر همین فعالیت در سال ۱۹۷۵ به اتهام ملی‌گرایی به یک سال و نیم حبس محکوم گردید. <https://fa.wikipedia.org> با جست‌وجوی «ابوالفضل ایلچی بیگ»

پس از فروپاشی شوروی، ابتدا ایاز مطلباف (۱۹۹۲-۱۹۹۱م) و پس از وی ایلچی بیگ که رهبر حزب جبهه خلق آذربایجان بود با انتخابات ۱۶ ژوئن ۱۹۹۲م رئیس جمهور جمهوری آذربایجان گشت. حیدر علی‌اف در سال ۱۹۹۳م با کودتای خفیف ژنرال صورت حسین اوف ریاست جمهوری را از دست ایلچی بیگ درآورد و خود تا ۲۰۰۳ رئیس جمهور آذربایجان گردید.



پناه‌حسین در بیان علت مخالفتش اظهار داشت:

برخی مسائل میان دولت‌هایی وجود دارند که درست نیست آن موضوعات برای توده مردم بیان شوند!

اما افشار سلیمانی در پاسخ به اعتراض پناه‌حسین به بیان حقایق کمک‌های نظامی ایران به جمهوری آذربایجان در سال ۱۹۹۲ تأکید کرد: «من در کتاب فعالیت‌های ۲۰ ساله سیاسی خودم هم این مطلب را نوشته‌ام.»^۱

افشاری‌های منصور حقیقت‌پور مشاور نظامی حیدر علی‌اوف

در زمان جنگ قره‌باغ، مشاور نظامی رئیس‌جمهور آذربایجان یکی از اعضای ارشد شاخه قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یعنی آقای دکتر منصور حقیقت‌پور نماینده اردبیل، نمین، نیر و سرعین در مجلس نهم شورای اسلامی و نایب‌رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی آن مجلس بود. طبق نوشته پایگاه اطلاع‌رسانی وی:



حقیقت‌پور

دکتر حقیقت‌پور در اوایل سال ۱۳۵۹ وارد سپاه شده و پس از فعالیت در برخی مسئولیت‌ها در سال ۱۳۶۶ به

بخش برون‌مرزی سپاه پاسداران منتقل شد و مسئولیت بررسی‌های سیاسی، فرهنگی در حوزه‌های آسیای میانه، آسیای جنوب غرب، قفقاز، ترکیه، پاکستان و کشورهای هم‌جوار را عهده‌دار گشت و در مسیر توسعه انقلاب اسلامی در آن مناطق با مسلمانان منطقه همکاری تنگاتنگ داشته و قریب دو سال به عنوان مشاور نظامی در جمهوری آذربایجان مستقر و در جهت آموزش و تجهیز ارتش آذربایجان خصوصاً در مقطع جنگ قره‌باغ انجام وظیفه نمود. در این مقطع بیشترین همکاری دفاعی و آموزشی فی‌ما بین ایران و جمهوری آذربایجان به وقوع می‌پیوندد.^۲

آقای دکتر حقیقت‌پور در نامه‌ای خطاب به مردم آذربایجان به تاریخ ۱۷ فروردین ۱۳۹۲ به فعالیت‌های خود در سمت مشاور نظامی رئیس‌جمهور آذربایجان و داشتن

1. <http://www.islamtimes.org/fa/doc/news/136694/>

۲. پایگاه اطلاع‌رسانی دکتر حقیقت‌پور: <http://www.haghighatpour.ir/Biography.aspx>. بخش زندگینامه.

اسناد بسیار و تصاویر مربوط اشاره کرده می نویسد:

... بنده طی سال های اخیر به ویژه دوره استانداری اردبیل چندین بار به جمهوری آذربایجان سفر کرده ام... گزارش های مکتوب و تصاویر چند هزار صفحه ای و فیلم های ویدئویی بیش از صد ساعت در اختیار دارم که همگی کمک های ما به آذربایجان در جنگ قره باغ را تأیید می کنند. بنده در جنگ قره باغ مشاور خاص مرحوم حیدر علی اف بوده ام... به یاد دارم یک روز که نیروهای آذری در مقابل حیدر علی اف رژه رفتند، وی به من گفت که می خواهم نشان لیاقت آذربایجان را به شما اهدا نمایم که من به دلیل مسائل سیاسی قبول نکردم. بنده اسناد، مدارک و فیلم های ویدئویی زیادی در خصوص کمک های همه جانبه ایران اسلامی به آذربایجان دارم که اگر این کمک ها نبود الان نه بیست درصد بلکه بیش از پنجاه درصد خاک آذربایجان در اشغال بود. ان شاء الله به موقع خود آن اسناد را منتشر خواهیم نمود...^۱

به تازگی بخشی از فیلم فعالیت مستشاران نظامی سپاه پاسداران از جمله آقای حقیقت پور در جمهوری آذربایجان و در حضور حیدر علی اف رئیس جمهور پیشین آن کشور (پدر الهام علی اف رئیس جمهور فعلی) در اینترنت منتشر شده است.^۲



حیدر علی اف و حقیقت پور

1. <http://www.islamtimes.org/fa/doc/news/252025>

۲. فیلم مذکور از جمله در این سایت قابل دیدن است: <http://www.asrtabriz.ir/10790.html>



آقای حقیقت‌پور در سخنرانی تحت عنوان: «تحلیل ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک جنگ قره‌باغ» ضمن تشریح توان نظامی آذربایجان و ارمنستان در شروع جنگ قره‌باغ به توضیح علل شکست آذربایجان پرداخت و گفت:

در بررسی توان رزمی طرفین با توجه به سابقه حضور خود بنده در منطقه در آن مقطع در زمان جنگ قره‌باغ، نیروهای ارمنستان دارای پنجاه و دو فروند هواپیمای جنگی و غیر جنگی و در مقابل جمهوری آذربایجان دارای هشتاد و شش فروند بود. نیروی جنگی رزمی پیاده ارمنی‌ها ۳۲۷۰۰ نفر بود که ۲۰ هزار نفر آنها از قره‌باغ به آن ملحق شدند و نیروی جنگی رزمی پیاده جمهوری آذربایجان نزدیک به ۵۰ هزار نفر بود یعنی تقریباً بالانس نیروی زمینی نیز فراهم بود. تانک و نفربر ارمنی‌ها ۳۵۰ فروند و در مقابل تانک و نفربر جمهوری آذربایجان ۶۰۰ فروند بود. ارمنی‌ها به قدر کافی از ظرفیت‌های مردمی در این جنگ استفاده کردند که متأسفانه به دلیل ضعف مدیریت و ناکارآمدی دولت آذربایجان، آنها نتوانستند مردم را به کارگیری کنند.

اما علی‌رغم اینکه در تحلیل سازمان نبرد دو کشور، ما شاهد آن هستیم که وزن آذربایجان سنگین‌تر از ارمنستان است ولی آذربایجان به این دلایل در این جنگ شکست می‌خورد:

۱. فقدان روحیه ملی در جمهوری آذربایجان: عامل اصلی شکست جمهوری آذربایجان فقدان روحیه بود که بر عکس ارمنی‌ها دارای روحیه قوی بودند. عدم وجود روحیه جنگ در رهبران آذربایجان، فقدان روحیه مقاومت در نظامیان آذربایجان، خوش‌بینی به حل مسئله قره‌باغ با رویکرد سیاسی از جمله علل شکست آذری‌ها مقابل ارمنی‌ها بود.

۲. تعطیلی کوشش نظامی به امید پیروزی در میز مذاکره: طی صحبت‌های ما با سیاسیون آذری آنها بر این نظر بودند که ما با گروه مینسک (متشکل از امریکا، روسیه، فرانسه) و پشت میزهای مذاکره این قضیه را حل خواهیم کرد. با این اقدام، دولتمردان آذربایجان رویکرد نظامی غالب بر منطقه را که می‌توانست کارساز باشد تعطیل کردند و به سراغ رویکرد سیاسی رفتند و در آن رویکرد سیاسی فریب خوردند و این خیانت محسوب می‌شود.

۳. عدم استفاده از ظرفیت‌های جهان اسلام. اکثر مردم مسلمان آمادگی قرارگیری در کنار آذری‌ها را داشتند، ولی آذری‌ها به هیچ‌وجه هنر بکارگیری نیروی مسلمان و ظرفیت‌های اسلامی را نداشتند.

۴. خیانت مسئولین سیاسی و نظامی آذربایجان و همکاری با ارمنی‌ها در پشت صحنه باعث سقوط قسمت‌هایی از منطقه شد.

۵. نبود استراتژی در جنگ

۶. عدم اراده آنها در حل مشکلات ارتش

۷. اختلاف نظر بین فرماندهان ارتش آذربایجان

۸. وجود تنش بین سیاسیون و نظامی‌ها در آذربایجان

۹. نبود وحدت فرماندهی

۱۰. ضعف تجهیزات و ضعف آموزش

جمهوری اسلامی ایران در قره‌باغ به بهترین و شیواترین شکل ممکن، رسالت خود را ایفا کرد. در تمامی مقاطع ما از آذربایجان و مردم آذربایجان و قره‌باغ دفاع کردیم^۱ بنابر فتوای مقام معظم رهبری که: «قره‌باغ خاک اسلام است و هر کس در این جنگ کشته شود، شهید محسوب می‌شود.»

در طول جنگ با محدودیت‌های فراوانی برای توسعه روابط با ارمنستان مواجه شدیم. هر چیزی که کمک به موتور جنگی ارمنه می‌کرد، مشروع نبود و ما اجازه این همکاری‌ها را نمی‌دادیم. تنها راهکار ما این بود که از دو نقطه آذربایجان به منطقه نخجوان راهی را تعبیه کنیم که نخجوان سقوط نکند. در زمانی که آذری‌ها در جنوب قره‌باغ گیر کرده بودند، باز هم سرزمین ایران به آنها کمک کرد که بتوانند از آن منطقه عبور کنند. ما کمک‌های فراوانی به آنها کردیم که اگر مقامات و مسئولین جمهوری اسلامی ایران مصلحت بدانند یک روزی این اقدامات خاص جمهوری اسلامی ایران را با اسناد و مدارک عرضه خواهیم کرد، ولی متأسفانه آذری‌ها قدر دان این زحمات و اقدامات ما نبوده‌اند. وقتی دولتی در آزادسازی خاک اسلام ناکارآمد می‌شود، مردم مسلمان باید این دولت را پس بزنند و خودشان اراده اسلامی خودشان را نشان دهند تا قره‌باغ

1. <http://www.azariha.org/?lang=fa&muid=52&item=1999>



توسط سربازان جهان اسلام و با بکارگیری جوانان مسلمان آذربایجان آزاد شود.

نظریات صریح دکتر محسن رضایی رئیس وقت سپاه

مهم‌ترین مقام رسمی نظامی ایران که آشکارا کمک‌های نظامی ایران به جمهوری آذربایجان در جنگ قره‌باغ (۱۹۹۴-۱۹۹۲م) و شهادت ده‌ها ایرانی در این جنگ را بیان داشت، دکتر محسن رضایی فرمانده اسبق سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام جمهوری اسلامی ایران است که در اسفند ۱۳۹۱ طی مسافرت به شهر اردبیل در مصاحبه با شبکه جهانی سحر (شبکه برون‌مرزی صدا و سیما) چنین گفت:

شخصاً دستور داده بودم تا وضعیت منطقه قره‌باغ مشخص شود و ارتش جمهوری آذربایجان با تجهیزات نظامی مناسب تجهیز شده و آموزش‌های لازم نیز برگزار شود. حتی در آن زمان برای آموزش نظامی ویژه نیروهای نظامی آذربایجان دستورات لازم را صادر کرده بودم.

تعداد زیادی ایرانی در جنگ قره‌باغ شرکت کردند که علاوه بر زخمی‌ها که به کشور منتقل شدند، تعداد زیادی از شهدای ایرانی جنگ قره‌باغ نیز در باکو و جمهوری آذربایجان مدفون هستند. در مقطع جنگ قره‌باغ، موضع سپاه، دفاع جانانه از سرزمین‌های جمهوری آذربایجان بوده است تا استقلالی که مردم این کشور به دست آورده بودند، با تجاوز روبه‌رو نشود. قره‌باغ بخشی از اراضی اسلامی است و باید با روش‌های مسالمت‌آمیز تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان تأمین شود. خدمات جمهوری اسلامی ایران به ملت آذربایجان در جریان جنگ قره‌باغ نباید نادیده گرفته شود. ادعاهایی که برای ایجاد تفرقه بین دو ملت می‌شود، از جانب طرف آذری نیست، بلکه ادعای دشمنان دو ملت است که نمی‌خواهند این دوستی شکل بگیرد.^۱

اظهارات دکتر محسن رضایی پیرامون کمک‌های نظامی ایران به جمهوری آذربایجان در جریان جنگ قره‌باغ و شهادت ده‌ها ایرانی در این جنگ واکنش‌های متفاوتی در جمهوری آذربایجان به دنبال داشت. محافل نزدیک به دولت آذربایجان و نیز قوم‌گرایان

1. http://www.sahartv.ir/fa/news/1338_12/12/1391

و محافل ضد ایرانی تلاش کردند اظهارات دکتر رضایی را بی اساس نشان دهند و یا اینکه مدعی شدند ایرانیان شهید در قره‌باغ از آذری‌های ایران بودند و هدفشان دفاع از ایده به اصطلاح «آذربایجان واحد» بود!

فرج قلی‌اف نماینده پارلمان ملی آذربایجان و از چهره‌های قوم‌گرا در واکنش به اظهارات فرمانده سابق سپاه در مصاحبه با روزنامه باکو خبر مدعی شد:

ایران در زمان جنگ قره‌باغ از جمهوری آذربایجان حمایت نکرده است و طی این جنگ ایران همواره به ارمنستان کمک کرده است. شهروندان آذربایجان جنوبی (آذربایجان ایران!) برای حفظ سرزمین‌های آذربایجان در این جنگ مبارزه کرده‌اند.^۱

در مقابل چنین موضع‌گیری‌های مذبوحانه علیه اظهارات عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام جمهوری اسلامی ایران و فرمانده اسبق سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، روشن نورو اوغلو، محقق و رئیس «مرکز غیر دولتی مبارزه بین‌المللی علیه تروریسم در جمهوری آذربایجان» گفت:

ده‌ها ایرانی در جبهه‌های جنگ قره‌باغ در کنار آذربایجانی‌ها جنگیدند و شهید شدند. سیمای سیاست ایران در باره متجاوزان به جمهوری آذربایجان همیشه صادقانه و با عظمت بوده است و ما این را در مناقشه قره‌باغ شاهد بودیم. در جنگ قره‌باغ شهروندان ایرانی در کنار آذربایجانی‌ها بودند، آنها معنای جنگ را می‌فهمیدند، ده‌ها شهروند ایرانی که در جنگ با عراق حضور داشتند در جبهه قره‌باغ نیز حضور یافتند، آنها از همه اقوام ایرانی از جمله فارس، آذری و کرد بودند.

ما تحقیق کردیم و متوجه شدیم در فاجعه خوجالی^۲ در فوریه ۱۹۹۲

۱. همان.

۲. خوجالی نام شهر و بخشی در جمهوری آذربایجان است که اکنون در کنترل جدایی‌طلبان ارمنی قره‌باغ است. این شهر در ۱۴ کیلومتری شمال شرقی شهر خان‌کندی قره‌باغ و نزدیک کوه قره‌باغ واقع شده است. علاوه بر این، قرار داشتن خوجالی در راه آغدام-شوشی و بر خورداری شهر از تنها فرودگاه قره‌باغ، حساسیت راهبردی شهر را بیشتر کرده بود. صدها تن از مردم بی‌دفاع آذری این شهر در ۲۶-۲۵ فوریه ۱۹۹۲ توسط نیروهای مسلح ارمنستان به گونه‌ای فجیع و وحشیانه قتل‌عام و مثله شدند. تعداد قتل‌عام‌شدگان را از زن و مرد و کودکان تا هزار نفر برآورد می‌کنند. این کشتار یکی از غم‌انگیزترین رخدادها در تاریخ مناقشه جمهوری آذربایجان و ارمنستان بر سر قره‌باغ کوهستانی بود. تصاویر دهشتناک کشتار خوجالی در محیط اینترنت منتشر شده است، از جمله رک: <http://www.aparat.com/v/ISGoV> پس از اشغال قره‌باغ توسط ارمنی‌ها، تمام نمادهای اسلامی را نابود کردند، گورستان‌های مسلمانان را با خاک یکسان نمودند و طبق تصاویر منتشر شده در اینترنت مساجد را تبدیل به طویله حیوانات کردند! تصاویر مذکور با جست‌وجوی «تبدیل مساجد به طویله در قره‌باغ» از سایت‌های متعدد قابل دریافت است.





در کنار آذربایجانی‌ها که علیه جدایی طلبان ارمنی می‌جنگیدند، ایرانی‌ها نیز حضور داشتند. ما قبر یازده نفر از آنها را یافتیم. قبر تعدادی از آنها در خوجالی، لاجین، کلبجر، قبادلی و شوشا قرار دارند. رزمندگان ایرانی در قالب دستجات وارد آذربایجان شدند و در جبهه‌های مختلف قره‌باغ جنگیدند و هدف آنها کمک به جمهوری آذربایجان و دفاع از یک کشور اسلامی بوده است.

حضور شهروندان ایرانی در راستای سیاست‌های اسلامی جمهوری اسلامی ایران صورت گرفت. شهروندان ایرانی با عشق شهادت در جبهه‌های قره‌باغ حضور یافتند، چون می‌دانستند امکان بازگشت‌شان نزدیک به صفر است. متأسفانه رسانه‌های جمهوری آذربایجان حتی یک کلمه نیز در این باره نمی‌گویند و در این خصوص تحقیق نمی‌شود.^۱ بنابر این اگر نیروهای انقلابی ایران به مقابله با نظامیان متجاوز و کینه‌ای ارمنی که مردم مسلمان قره‌باغ را به موج کشتار گرفته بودند، نمی‌شتافتند، جنازه بسیاری از مردم بی‌دفاع و شیعه آذربایجانی به رودخانه ارس انداخته می‌شد! اما وقتی نیروهای انقلابی ایران با عبور از ارس به دفاع از مردم مسلمانانی که از برابر موج کشتار ارمنی‌ها می‌گریختند، پرداختند، متجاوزان ارمنی متوقف شدند!

آمون‌لار (آمون‌ها): بسیجیان مردمی قره‌باغ و عاقبت آنها

رزمندگان داوطلب مردمی قره‌باغ تحت عنوان «آمون» که بر اساس سازمان بسیج ایران با هدف آزادسازی قره‌باغ ایجاد و سازماندهی شدند و توسط واحدهای نظامی ایران آموزش دیدند، تلاش بسیاری در عقب‌راندن نیروهای متجاوز و آزادی قره‌باغ نمودند. اما رژیم غرب‌گرای باکو نه تنها قدر آنها را ندانست، بلکه به اتهام نزدیکی و هماهنگی با نیروهای ایرانی آنها را در هم کوبید و فرمانده دلیرشان روشن‌جواد اف‌را ناجوانمردانه کشت! اگر رژیم باکو به واقع قصد آزادی قره‌باغ را داشت، چرا چنین کرد و قدر حمایت‌های نظامی ایران را ندانست؟! آیا معامله‌ای در پشت پرده با حاکمان ارمنستان به عمل نیامد و از موضوع قره‌باغ برای تحکیم پایه‌های حکومت استفاده ننمود؟! متأسفانه از چگونگی فعالیت نیروهای آمون اطلاعات زیادی در دست نیست. بنیاد مطالعات قفقاز این اطلاعات اندک را در مورد نیروی مذکور و عاقبت حزن‌انگیز

آن ارایه داده است:

روشن جواداف در اکتبر ۱۹۵۱ در رایون گوچای جمهوری آذربایجان متولد و در سال ۱۹۷۳ از دانشگاه علوم پزشکی این کشور فارغ التحصیل شد. از سال ۱۹۷۳ الی ۱۹۷۶ در بیمارستان وزارت کشور آذربایجان به عنوان یک پزشک کار می کرد. وی در سال ۱۹۷۶ وارد آکادمی نظامی «روستوف» شد و در سال ۱۹۸۰ از آن فارغ التحصیل گردید و در زمان جنگ قره‌باغ، فرماندهی رزمندگان داوطلب قره‌باغ (آمونلار) را بر عهده گرفت و اعتقاد داشت که در صورت همراهی حاکمیت کشورش با گروه تحت فرماندهی اش، قادر به بازپس‌گیری قره‌باغ می‌باشد. لیکن حاکمیت جمهوری آذربایجان بنا به دلایلی از جمله ارتباط این گروه با ایران حاضر به تداوم فعالیت آنها نبود.

روشن جواداف که فرماندهی صدها رزمنده داوطلب برای آزادی قره‌باغ را بر عهده داشت، معتقد بود که در صورت آتش‌بس، قره‌باغ برای همیشه از کشور جدا خواهد شد. اما حیدرعلی‌اف برای تثبیت حاکمیت خود، به آتش‌بس نیاز مبرم داشت. این موضوع سبب اختلاف شدید بین حاکمیت و گروه آمون به رهبری جواداف شد. لذا رئیس‌جمهور آذربایجان در سال ۱۹۹۵ دستور داد ارتش این کشور به جای حمله به دشمنان ارمنی به مقر رزمندگان داوطلب در باکو حمله کند. روشن جواداف در این درگیری زخمی شد، اما از انتقال وی به بیمارستان خودداری به عمل آمد تا در نهایت، فردی که دوست داشت در جبهه جنگ به شهادت برسد و یا سرزمین اشغالی کشورش را آزاد نماید در باکو کشته شد.

روشن جواداف می‌گفت: بعد از ادای سوگند توسط رئیس‌جمهور جدید (حیدر علی‌اف)، ایشان خواستار اولین دیدار رسمی با بنده شد. من می‌دانستم که از من در مورد طرحی برای آزادی قره‌باغ سؤال خواهد کرد، به همین دلیل طرح جنگ و عملیات را در پوشه‌ای گذاشته و به دیدار با رئیس‌جمهور رفتم. اما رئیس‌جمهور به پوشه‌ای که روی میزش قرار داشت اشاره کرده و گفت: «از همکاری شما با ایران مطلع هستم. - این پوشه از اسراییل به ترکیه و از آنجا به جمهوری آذربایجان انتقال





روشن جواد اف فرمانده گروه آمون

داده شده بود- از این به بعد تمامی روابط خود با ایران را باید متوقف کنید. ما به کمک ایران نیازی نداریم. من اگر بدانم که قره‌باغ را می‌توان با کمک ایران پس بگیرم، آن را به ارمنستان تقدیم می‌کنم. قره‌باغ یک مشکل اساسی نیست و در مدت زمان کوتاهی خود به خود حل خواهد شد. جنگ ما با ایران است، ما باید خود را آماده جنگ با ایران بکنیم. دشمن اصلی ما ارمنستان نیست بلکه فارس‌ها می‌باشند!»

ماهر جواد اف برادر روشن جواد اف در آن زمان دادستان بخش «خطایی» باکو بود و همزمان در گروه آمون نیز عضویت داشت. او پس از کشته شدن برادرش به غرب گریخت و پرده از اسرار پشت پرده دولت باکو برداشت. ماهر جواد اف هم اکنون در اتریش زندگی می‌کند.

ماهر جواد اف اخیراً پس از انتشار پیام آیت‌الله عاملی امام جمعه اردبیل در مراسم نکوداشت مرحوم حاج علی اکرام علی اف که در بردارنده ناگفته‌هایی از جنگ قره‌باغ بود، ضمن تأیید اظهارات امام جمعه اردبیل پیرامون کمک‌های نظامی ایران به آذربایجان در جنگ قره‌باغ، اظهار داشته بود: «به نظر من دولتمردان سابق جمهوری آذربایجان، برای تقدیم قره‌باغ به ارمنستان تلاش می‌کردند.»

اکنون علی‌رغم گذشت بیش از ۱۵ سال از انحلال گروه آمون، هنوز از سرنوشت صدها رزمنده داوطلب (آمونلار) که پس از کشته شدن روشن جواد اف، دستگیر و زندانی شدند، اخباری در دست نیست. دستیاران «روشن جواد اف» ناپدید شده‌اند و گویی هرگز وجود نداشته‌اند.



کارشناسان معتقدند دولت جمهوری آذربایجان در صورت استفاده از پتانسیل گروه آمون و نیز سایر گروه‌های مردمی می‌توانست مانع اشغال بیست درصد از خاک خود شود.^۱

به نوشته دکتر حقیقت‌پور، شهید روشن جواد اوف نقش اصلی را در مذاکره با مجاهدین افغانستان و انتقال ۲۰۰۰ نفر از آنها به منطقه قره‌باغ جهت دفاع از مردم آنجا بر عهده داشت.^۲

ترساندن همسایگان از قدرت حکومت باکو

در سایت اینترنتی شبکه گوناز در مطلبی با عنوان «جمهوری آذربایجان قدرتی در حال ظهور در قفقاز» به تاریخ ۸ ژانویه ۲۰۱۱ و به قلم بهرام امیراحمدیان که در پایان مقاله ادعا شده استاد دانشگاه‌های تهران و کارشناس روابط بین‌الملل و مسائل ژئوپلیتیک است، چنین می‌خوانیم:

جمهوری آذربایجان با مساحتی برابر ۸۶/۶ هزار کیلومتر مربع در شرق قفقاز از نظر موقعیت ژئوپلیتیک و هم‌مکان جغرافیایی از اهمیت خاصی در منطقه قفقاز و دریای خزر برخوردار است که این موقعیت یگانه و تغییرناپذیر است. میراث فرهنگی و معماری ملی و اسلامی جمهوری آذربایجان مهم‌ترین عامل ثبات ملت جمهوری آذربایجان است. آذربایجان دومین کشور شیعه جهان است که با برداری از باور آذری‌ها به اینکه خودشان ملت بزرگی هستند که سابقه دولتمداری در منطقه را دارا هستند، [کدام سابقه؟!] به آنان نوعی اعتماد به نفس داده است...

پیش‌بینی می‌شود جمعیت آذربایجان در سال ۲۰۲۵ به ۹/۷ میلیون و در ۲۰۵۰ به ۱۱/۶ میلیون نفر برسد. در مقابل جمعیت ارمنستان در حال حاضر ۳ میلیون نفر است که در سال ۲۰۲۵ به ۳/۴ و در سال ۲۰۵۰ در همان حد باقی خواهد ماند و رشدی نخواهد داشت. امید به زندگی در بدو تولد در آذربایجان برای مردان ۷۰ و برای زنان ۷۵ سال است. اکنون جمعیت آذربایجان به تنهایی بیش از جمعیت دو جمهوری دیگر قفقاز

۱. بنیاد مطالعات قفقاز، ۱۳۹۰/۴/۳۱؛ <http://ccsi.ir/vdcc.iqsa2bqiela82.html>

2. <http://www.islamtimes.org/fa/doc/news/252025>





(ارمنستان و گرجستان) است...

جمهوری آذربایجان قدرتمندترین دولت منطقه قفقاز را داراست و قوی‌ترین و پیشرفته‌ترین ارتش منطقه را با کمک‌های غرب در اختیار دارد.

... ایجاد آرامش در سایه ساختار قدرتمند دولت مرکزی و تقویت موقعیت حزب یئنی آذربایجان (آذربایجان نوین. حزب هوادار دولت) است که زمام امور کشور را در اختیار دارند...

... در شرایط کنونی آذربایجان تا کسب قدرت قابل قبول و آمادگی کافی، قصد رویارویی نظامی با ارمنه قره‌باغ را ندارد^۱ که از سال ۱۹۹۴ حدود ۲۰ درصد خاک آن را تجزیه و اعلام استقلال کرده‌اند. بودجه نظامی آذربایجان سال به سال در حال افزایش است.

نیروهای نظامی آن با استانداردهای اروپایی نوسازی و آموزش دیده می‌شوند. آن طور که گفته می‌شود شاید آذربایجان زودتر از گرجستان و ارمنستان به ناتو بپیوندد. [اعلام خطر برای کشورهای همسایه به ویژه ایران!!] از این رو باکو به مرکزی برای رفت و آمد و بازدیدهای سران جهان و مقامات بلندپایه جهانی تبدیل شده است. کنفرانس‌های بین‌المللی، دیدارهای رسمی، برگزاری جشنواره‌ها و کنگره‌های جهانی و دیگر اقدامات دولت جمهوری آذربایجان در راستای ایفای نقش بیشتر در منطقه و جهان، نشان از اراده باکو برای بین‌المللی شدن دارد. اکنون جمهوری آذربایجان آن کشور کوچک و فقیر جنگ‌زده نیمه نخست دهه ۱۹۹۰ نیست و با همان ادبیات آن دوره نمی‌توان با آن گفت‌وگو کرد.

اکنون آذربایجان به درجه‌ای از قدرت در تمام زمینه‌ها (ثروت، صنعت، آموزش، علم و فرهنگ، نیروهای مسلح) رسیده است که می‌تواند با بسیج جوانان خود جبهه قره‌باغ را به راحتی فتح کرده و حاکمیت خود در این منطقه را اعاده کند، [امان از مزدوری و قلم به

۱. پس با این همه هارت و پورت و ادعای اینکه جمهوری آذربایجان قوی‌ترین و پیشرفته‌ترین ارتش‌ها را با کمک غربی‌ها در اختیار دارد، هنوز آمادگی کافی و قصد رویارویی با ارمنستان را ندارد!! پس کی از این ارتش قوی و پیشرفته دست‌پخت غربی‌ها استفاده خواهد کرد؟! این نوشته بهرام امیراحمدیان برای مزاح و انبساط خاطر کاربرد دارد و دیگر هیچ!!



مزدی!! اگر می توانستند، می کردند. رجز خوانی امثال شما بی فایده است!! اما دولت مردان آذربایجان به خوبی بر این امر واقفاند که صلح بد، بهتر از جنگ خوب است. جنگ برنده ای ندارد و حتی طرف پیروز هم شکست خورده است. [واقعاً هر خواننده ای حیران می ماند که به این مضحکه ها بخندد یا به حماقت اینان بگریزد؟! اکنون جهان، جهان گفت و گو و مفاهمه است. جنگ به انسان های عقب افتاده تعلق دارد. [پس چرا یانکی های متمدن و پشتیبان استبداد علی اوف ها در گوشه های مختلف جهان می جنگند؟! جامعه آذربایجان و ارمنستان از جوامع پیشرفته و مدنی هستند. در سیاست خارجی آذربایجان اعاده حاکمیت بر قره باغ از راه مذاکره و زبان دیپلماسی مطرح است و در این راه آذربایجان موفقیت های بسیاری در عرصه بین الملل کسب کرده است. [کدام موفقیت ها؟! زمانی نخواهد کشید که آذربایجان در اثر توسعه به کشوری مهم تبدیل خواهد شد و در آن زمان ساکنان ارمنی قره باغ خودشان با میل و رغبت به آغوش آذربایجان باز خواهند گشت. [؟! زیرا یک واحد سیاسی خودمختار و توسعه یافته و مرفه در ترکیب جمهوری آذربایجان (جمهوری خودمختار قره باغ کوهستانی)، بسیار جذاب تر از یک واحد سیاسی مستقل ضعیف و فقیر است (جمهوری خودخوانده ناگورنو قره باغ).^۱

لزوم آزادی قره باغ با اقدامات بین المللی نه با جنگ!

شورای امنیت سازمان ملل در ۳۰ آوریل سال ۱۹۹۳ قطعنامه شماره ۸۲۲ را که مبتنی بر اجرای آتش بس فوری و خروج نیروهای ارمنستان از اراضی آذربایجان بود صادر کرد و در پی آن نیز در ژوئیه سال ۱۹۹۳ قطعنامه شماره ۸۵۳ و در اکتبر و نوامبر همان سال قطعنامه های شماره ۸۷۴ و ۸۸۴ را در مورد مناقشه قره باغ و لزوم رعایت آتش بس و عقب نشینی نیروهای ارمنستان به مرزهای رسمی در منطقه مورد مناقشه قره باغ صادر نمود. همچنین بین سال های ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶ م رؤسای امریکایی، روسی و فرانسوی گروه مینسک در مجموع سه طرح صلح به طرفین مناقشه ارائه کردند که هر بار توسط یک یا هر دو کشور در گیر در مناقشه قره باغ رد شده است. طرح «اداره قره باغ

1. www.gunaz.tv/per/14/articleCat/1/articleID/2086.html/articlePg/5



توسط دولت مشترک» سومین طرح صلح رؤسای گروه مینسک بود که در جمهوری آذربایجان اعتراض‌های مردمی و در ارمنستان به تشنج خونین در مجلس ملی این کشور منجر گردید.

آنچه در مقاله کذایی راجع به «موفقیت آذربایجان در اعاده حاکمیت بر قره‌باغ از راه مذاکره و زبان دیپلماسی» مطرح شده و به آن می‌نازند و آن را نماد قدرت جمهوری قلمداد می‌کنند، مربوط به قطعنامه‌های شورای امنیت راجع به قره‌باغ است که به گفته حیدر علی اف «ارمنستان به آن بی‌اعتنایی نموده و در مقابل، آذربایجان نمی‌خواهد از قدرت نظامی خود استفاده کند!» وی در ادامه خواستار کمک آذربایجانی‌های سایر کشورها برای آزادسازی قره‌باغ شد! حیدر علی اف طی رجز خوانی خود در اولین کنگره آذربایجانی‌های جهان در ۱۰ نوامبر ۲۰۰۱ چنین گفت:

بزرگ‌ترین مشکل ما و آنچه که بیشترین نگرانی را برای ما دارد، مناقشه ارمنستان-آذربایجان بر سر قره‌باغ کوهستانی و آزادسازی سرزمین‌های اشغالی ما و احیای تمامیت ارضی آذربایجان می‌باشد. ما کارهای زیادی در این زمینه انجام داده‌ایم. در تمام سازمان‌های بین‌المللی این مسئله را مطرح ساخته‌ایم و تصمیمات لازم اتخاذ شده است. در سال ۱۹۹۳ شورای امنیت سازمان ملل متحد چهار قطعنامه در مورد اخراج بی‌قید و شرط ارتش ارمنستان از سرزمین‌های اشغالی به تصویب رسانده است. رئیس شورای امنیت شش بیانیه دارد. ولی ارمنستان نسبت به اینها بی‌اعتنایی نشان می‌دهد.

طی نشست لیسبون سازمان امنیت و همکاری اروپا در ماه دسامبر سال ۱۹۹۶ سند بسیار مهمی در خصوص تأمین تمامیت ارضی آذربایجان و حل مسالمت‌آمیز مناقشه ارمنستان و آذربایجان تصویب شده است. از بین ۵۴ کشور عضو سازمان امنیت و همکاری اروپا ۵۳ عضو آن به آن سند رأی داده‌اند، فقط ارمنستان اعتراض کرده بود. ولی متأسفانه مصوبه مورد ارایه این سازمان معتبر و نشست سازمان امنیت و همکاری اروپا همچنان از طرف ارمنستان پذیرفته نمی‌شود.

با این حال ما همواره برای حل صلح‌آمیز این مسئله تلاش می‌کنیم. مستحضرید که در سال ۱۹۹۳ به منظور حل مناقشه ارمنستان و آذربایجان گروه مینسک تأسیس گردیده است. رهبری گروه مینسک



را از ابتدای سال ۱۹۹۷ سه کشور بزرگ - روسیه، ایالات متحده امریکا و فرانسه به عهده دارند. در سال‌های گذشته ما همکاری زیادی با گروه مینسک و رؤسای مشترک آن داشته‌ایم. ما طرفدار حل مسالمت‌آمیز مسئله می‌باشیم. ما موفق به رفع این مناقشه نیز خواهیم شد، تمامیت ارضی آذربایجان احیا خواهد گردید؛ سرزمین‌های اشغالی آزاد خواهد شد و آوارگان اخراج‌شده از زاد و بوم خود به سرزمین‌های پدری‌شان باز خواهند گشت. طبعاً در این زمینه هم‌پای سازمان‌های بین‌المللی، به جوامع آذربایجانی هم نیاز داریم...^۱

اعتراض‌های الهام علی اوف

مقامات حکومتی آذربایجان بارها از عملی نشدن قطعنامه‌های شورای امنیت اظهار ناراحتی شدید کرده‌اند. به عنوان نمونه الهام علی اف رئیس‌جمهوری آذربایجان در مصاحبه با شبکه تلویزیونی «روسیه ۲۴» گفت:

در حالی که شورای امنیت سازمان ملل تاکنون چهار قطعنامه در مورد خروج نیروهای ارمنستان از قلمرو جمهوری آذربایجان صادر کرده است، هیچ یک از این قطعنامه‌ها محقق نشده‌اند. قطعنامه‌های مربوط به مناقشه قره‌باغ با گذشت ۱۷ تا ۱۸ سال از زمان صدور آنها هنوز اجرا نشده‌اند. اجرای فوری قطعنامه‌های این شورا در مورد لیبی عملکرد این شورا را زیر سؤال می‌برد. دلیل این امر چیست که در مورد لیبی این گونه به سرعت عمل می‌شود اما در مورد دیگر شاهد این گونه بی‌حرکی هستیم؟^۲

الهام علی اف در آبان ۱۳۹۳ نیز با اظهار اینکه: «نهادهای بین‌المللی از جمله سازمان امنیت و همکاری اروپا، شورای اروپا و سازمان همکاری اسلامی از تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان حمایت می‌کنند»، از اینکه قطعنامه‌های شورای امنیت درباره قره‌باغ با گذشت بیش از ۲۰ سال همچنان اجرا نشده است، انتقاد کرد.^۳

در این میان پارلمان اروپا نیز خواستار خروج نیروهای ارمنستان از مناطق اشغالی

۱. سایت اینترنتی کتابخانه بین‌المللی حیدر علی اف؛

<http://lib.aliyevheritage.org/pe/2428604.html>

۲. سایت اینترنتی بنیاد مطالعات قفقاز، ۱۳۹۰/۱/۲۷: <http://www.ccsi.ir/vdcfa.djww6dviig.html>

۳. <http://www.ghatreh.com/news/nn22921110>



علی اف رئیس جمهور آذربایجان



سرکیسیان رئیس جمهور ارمنستان

آذربایجان شده و در اول آبان ۱۳۹۲ (۲۳ اکتبر) این قطعنامه را تصویب کرد:
مناقشه قره‌باغ بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان بایستی بر اساس
چهار قطعنامه مصوب ۱۹۹۳ در شورای امنیت سازمان ملل متحد و با
همکاری رئیس گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا به شکلی
عادلانه و با خروج نیروهای اشغالگر از خاک جمهوری آذربایجان حل و
فصل شود.^۱

ارمنستان و قره‌باغ!

اما سران ارمنستان هیچ کدام از طرح‌های گروه مینسک و قطعنامه‌های شورای امنیت
و پارلمان اروپا را نمی‌پذیرند. در این مورد سرژ سرکیسیان رئیس جمهور ارمنستان طی
سخنرانی در مجمع عمومی سازمان ملل چنین گفته است:

در ۴ قطعنامه مصوب شورای امنیت بر لزوم توقف عملیات نظامی و
خصمانه و متوقف کردن بمباران و حملات هوایی علیه غیر نظامیان
تأکید شده بود؛ اما جمهوری آذربایجان همچنان با نقض قوانین
بین‌المللی، به اعمال ذکر شده از جمله بمباران مناطق محل سکونت
زنان، افراد مسن و کودکان ادامه داد. در این قطعنامه‌ها بر ضرورت
احیای مسیرهای ارتباطی، اقتصادی و انرژی تأکید شده بود؛ اما
جمهوری آذربایجان و ترکیه از آغاز مناقشه قره‌باغ اقدام به محاصره
ارمنستان و قره‌باغ نموده‌اند. همچنین در قطعنامه‌های شورای امنیت از
جمهوری آذربایجان خواسته شده بود تماس‌های مستقیم با [حکومت]

قره‌باغ برقرار نماید که با مخالفت جمهوری آذربایجان مواجه شده است. در این قطعنامه‌ها ارمنستان به عنوان طرف درگیری معرفی نشده است، بلکه قره‌باغ و جمهوری آذربایجان به عنوان طرفین درگیری معرفی شده‌اند. در قطعنامه‌های مذکور از ارمنستان خواسته شده است که از تأثیر خود بر قره‌باغ برای توقف درگیری استفاده کند که این مسئله از سوی ارمنستان اجرا و منجر به برقراری آتش‌بس در سال ۱۹۹۴ شد.^۱ شاوراش کوچاریان معاون وزیر امور خارجه ارمنستان در واکنش به قطعنامه پارلمان اروپا تأکید کرد: «صدور این قطعنامه می‌تواند تأثیر منفی بر روند حل مناقشه منطقه قره‌باغ داشته باشد» و ادوارد شارمازنف نایب رئیس مجلس ملی ارمنستان استناد به چهار قطعنامه شورای امنیت که پیش از امضای قرارداد آتش‌بس صادر شده‌اند، را غیر منطقی دانسته و تأکید کرد: «این قطعنامه‌ها فاقد ارزش حقوقی هستند.»^۲

ارزش ارتش قدرتمند جمهوری آذربایجان!!

با این توضیحات باید پرسید: ارزش ارتش قدرتمند جمهوری آذربایجان (مورد ادعا در مقاله منسوب به بهرام امیراحمدیان) چیست و به چه کاری می‌آید؟ اکنون که ارمنستان به قطعنامه‌های شورای امنیت، پارلمان اروپا و طرح‌های گروه مینسک بی‌اعتناست، آیا آذربایجان از ارتش مهیب و قدرتمند! خود استفاده خواهد کرد؟ این چه قدرت‌نمایی و مسخره‌بازی است که امثال قلم به مزدهایی چون بهرام امیراحمدیان همسایگان را از ارتش آذربایجان - که توان بازپس‌گیری مناطق اشغال‌شده را ندارد - می‌ترسانند و آذربایجانی‌های مناطق دیگر از جمله ایران را به این قدرت اقتصادی، سیاسی و نظامی برتر منطقه؟! امیدوار می‌سازند؟ این همه خوش‌رقصی، مزدوری و دروغ‌پردازی راجع به حکومت ضعیف و بی‌کفایت رژیم باکو نشانه چیست؟! این چه در باغ سبز نشان دادن است؟! توجه نمایید که جمهوری آذربایجان، ارمنستان، گرجستان، شمال عراق و شرق ترکیه هنوز هم حوزه نفوذ تورپسم‌درمانی آذربایجان و به ویژه تبریز است و بیماران این کشورها و مناطق به دلیل امکانات مناسب بیمارستانی و پزشکان مجرب برای درمان به تبریز می‌روند و بسیار راضی و خشنود باز می‌گردند. هنوز بازارهای بزرگ آذربایجان ایران به محوریت بازار بزرگ تبریز محل خریدهای کلان تجار جمهوری آذربایجان است! باغ

۱. <http://persian.araxnews.com/world/3754>؛ ۲۰۱۴/۹/۲۸.۱

۲. <http://qafqaz.ir/fa/?p=3630>؛ ۱۳۹۲/۸/۵.۲





سبز و همیشه بهار اینجا است نه آنجا. این تذهبون؟! آقایان آذربایجانی‌ها (جمهوری آذربایجان) باید برای فراگیری غیرت، شهامت و شجاعت در محضر رزمندگان سلحشور و دلاوران دوران دفاع مقدس ملت بزرگ ایران از جمله فرزندان آذری حضرت روح‌الله زانو بزنند و تاریخ دفاع مقدس ایران را بارها بازخوانی کنند و بیش از این هل من مبارز نطلبند!!

حمایت گوناخ در مقاله‌های منتشر شده

در سایت گوناخ تی‌وی نمی‌توان مطلب، مقاله و یا دیدگاهی یافت که حاوی فتنه‌انگیزی، حیغ‌های شوم تجزیه‌طلبی و ایجاد دشمنی بین فارس، ترک، کرد، ارمنی و... نباشد. گویی سران و نویسندگان گوناخ همه به امراضی چون: حماقت، سادیسیم و... مبتلایند و به دنبال درمان خود نیز نیستند! مقالات اصلی سایت گوناخ و نویسندگان در مورخ ۱۳۹۴/۲/۲۹ چنین است:

۱. فروپاشی ایران چه قدر نزدیک است؟/ محبوب امراهی
۲. سیاست دوگانه دولت ضد بشری جمهوری اسلامی ایران در قبال آذربایجان جنوبی/ حمید نقی‌زاده ناجی که در بخشی از آن آمده است:

... با آغاز جنگ بین ایران و عراق سیاست مکارانه ایران شروع شد و حکم‌داران شروع به تعاریف و تمجید از آذربایجانی‌ها کردند تا جایی که آذربایجان را سرایران نامیدند و این تعاریف‌هایشان بی‌جا نبود؛ چون غیرت و رشادت و دلیری ملت این خطه را بهتر از هر کسی دیده و می‌شناختند. برای بازی کردن با احساسات مردم، همه مردم ایران را برابر و برادر خواندند و از ملت آذربایجان برای ایران سپر ساختند. پس از اتمام جنگ و آتش‌بس باز هم آذربایجان ماند و سر بی‌زبان‌ش و اهانت و توهین‌هایی که تمامی ندارد. آیا دیگر وقت آن نرسیده که ما ملت بزرگ تورک از زیر سلطه رژیم فاشیستی ایران رهایی یابیم و سرنوشت خود را مانند خواهرانمان و برادرانمان در آن سوی ارس خودمان تعیین نماییم؟

۳. شعبده‌بازی راسیسم [نژادپرستی] فارس برای ربودن جام قهرمانی از دست تیراكتور آذربایجانو سربلندی ملتی حماسه‌ساز که همیشه پیروز است/ در این مقاله با اشاره به بازی تیم تراکتورسازی با تیم نفت تهران که با باخت تراکتورسازی به پایان

رسید،^۱ می‌نویسد:

گویا چنین مقدر شده که آذربایجان نباید در ایران اول شود، بلکه همواره باید توسری خور راسیسم فارس به مرکزیت تهران باقی بماند. آذربایجان باید در حساس‌ترین نقطه و در اوج هیجان از راسیسم فارس خنجر از پشت خورده و سرخورده و مأیوس شود چرا که به هیچ وجه نباید در ایران سر برآورده و برای اندکی نیز که شده ابراز وجود نماید...
۴. کم‌رنگ شدن حس ایرانی بودن در میان ملل غیر فارس/بخش کوتاهی از این مقاله چنین است:

... هژمونی کم‌ظرفیت به نام فارس در جایی که پتانسیل بسیار ضعیف را تشکیل می‌دهد، با حذف، تصفیه، تخریب پتانسیل‌های دیگر ملل در ایران و برخورداری از امتیاز مطلق برای خود جایی و مقامی برای ایرانی بودن رانمی‌گذارد.

... سرکوب تمام جنبش‌های رفرمیست و اصلاحی از طرف هژمونی کم‌ظرفیت مرکزگرا در ایران مانند فرقه دمکرات، حرکت خلق مسلمان در آذربایجان، جمهوری مهاباد، نهضت ترکمنستان و خوزستان و جنبش‌های اصلاحی در گیلان، سبب مأیوسی و حس خودبیگانگی در ملل غیر فارس و نهایتاً ناامیدی و متعلق نبودن به این خاک می‌شود...

۵. فردوسی و تفکر زن ستیزانه و نژادپرستانه او در شاهنامه/ حسن راشدی

۶. هشداری به فعالان ملل مختلف دربند در ایران! / آرتار دانگیلر

۷. توسعه پایدار و زبان مادری / ژاله تبریزی

۸. گزارش نقض حقوق بشر در آذربایجان جنوبی (فروردین ماه ۱۳۹۴)

۹. منازعه ترک-ارمنی از دیدگاه «بوریان» دولت مردارمنی / علی قره‌جه‌لو

۱۰. شوی سالانه «نسل‌کشی ارمنه»: تحریف تاریخ و هیزم بر تنور نفرت / سعید افشار^۲

۱. این بازی روز ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۴ در ورزشگاه یادگار امام تبریز برگزار و نتیجه بازی سه به سه شد. در صورتی که بازی سایپا با سپاهان مساوی می‌شد، تراکتورسازی برنده لیگ فوتبال ۹۴-۹۳ می‌گشت. اما نتیجه تساوی ذکرشده و پیروزی سپاهان (با ۵۹ امتیاز) این تیم برنده لیگ گردید. بازی دو تیم تراکتورسازی و نفت تهران حاشیه‌های زیادی به دنبال داشت از جمله بسیاری از صندلی‌های ورزشگاه یادگار امام تبریز شکسته و تخریب شدند و هواداران خشمگین تراکتورسازی به تجمع اعتراضی در بیرون ورزشگاه پرداختند و بر خوردهایی صورت گرفت. جهت مطالعه حواشی و پیامدهای این بازی که به مجلس و حتی سفر رئیس‌جمهور آقای دکتر روحانی به تبریز کشید رک: سایت اینترنتی ویکی‌پدیا، با جست‌وجوی: «پیامدهای بازی تراکتورسازی تبریز و نفت تهران»





سم پاشی‌ها و زهرپراکنی‌های گوناختی‌وی که در شیکاگوی امریکا تولید و از آنجا پخش می‌شود، به هیچ‌وجه جایی در ذهن و قلب مردم مسلمان و وطن‌دوست آذربایجان ندارد. وابستگی کامل گوناختی‌وی به امریکایی‌ها و سازمان سیا چنان آشکار است که در توضیح سایت ویکی‌پدیا آمده است:

به گفته روزنامه حریت به استناد تحقیقات دولت ترکیه، تلویزیون گوناخت با سازمان سیا مرتبط است. در اعتراضات مردمی سال ۱۳۸۵ (مربوط به مقاله مانی نیستانی) [مقاله و اغتشاشات ناشی از آن در ادامه توضیح داده خواهد شد] شبکه گوناخت به شدت اقدام به تحریک مردم آذربایجان در جهت تجزیه‌طلبی و قوم‌گرایی کرد. پس از جریانات سال ۸۵ در ۱۴ آوریل ۲۰۰۶ طی مذاکراتی که مقامات ایرانی با مقامات ترکیه به انجام رسانیدند و با توجه به اینکه ایران با ترکیه علاوه بر مبادلات اقتصادی قراردادهای امنیتی نیز دارد، طرف ایرانی توانست آنها را وادار به قطع پخش این شبکه از ماهواره ترکست کند.^۱

ب. گاماج دست‌پخت دیگری از اوبالی و هم‌بیاله‌هایش

احمد اوبالی همراه با جمعی دیگر علاوه بر تلویزیون گوناخت، تشکیلات دیگری با عنوان: «گاماج» (مخفف لاتین کلمات ترکی: جنوبی آذربایجان میلی آزادلیق جبهه سی) که به فارسی «جبهه آزادی ملی آذربایجان جنوبی» خوانده می‌شود، را به راه انداخته است.

۱. سایت اینترنتی ویکی‌پدیا، با جست‌وجوی گوناختی‌وی.



آرم تشکیلات گاماچ

این تشکیلات نیز با دریافت دلارهای کثیف امریکایی در راه تجزیه آذربایجان از ایران و پیوستن آن به جمهوری آذربایجان و تشکیل آذربایجان بزرگ گام برمی‌دارد. هر از گاهی شیرین عقلمان گاماچی گرد هم می‌نشینند، کنفرانس می‌کارند و بیانیه و قطعنامه درو می‌کنند و دیگر هیچ!! «گاماچیان» که از باده و بنگ سرمست می‌شوند، خاصیت و برش بیش از این را ندارند!

در ۸ ژوئن ۲۰۱۴ در جلسه هیئت اداری گاماچ، صبری تبریزی به سمت ریاست و صادق عیسی بیلی به عنوان دبیر برگزیده شدند. اعضای کمیته‌های تشکیلاتی و سیاسی نیز به شرح معرفی گردیدند: اعضای کمیته تشکیلاتی: احمد اوبالی، فرامرز قلی‌زاده، وحید مهدی‌زاده، یاشار اسدی و صادق عیسی بیلی.

اعضای کمیته سیاسی: مهسا مهدیلی، احمد اوبالی، ائلنور مردلی، نبی سویتورک، صادق عیسی بیلی، خدایار تیموری.

گاماچ یکی از کنفرانس‌هایش را با موضوع «فردای آذربایجان جنوبی معاصر» در فروردین ۱۳۹۳ در هتل Park INN شهر باکو برگزار کرد. ابتدا صبری تبریزی خوشامد گفت و برنامه‌ها و موضوعات مورد بحث در کنفرانس را به حاضرین اعلام نمود. سخنرانان کنفرانس عبارت بودند از:

آراز آسلان مدیر مرکز تحقیقات استراتژیک قفقاز با عنوان «دولت ایران در بحران»، نصیب نصیب لی با عنوان «مسائل حرکت ملی آذربایجان جنوبی و چشم‌انداز آتی آن»، رامیز ممدوف عضو آکادمی ملی علوم آذربایجان و رئیس انجمن جغرافیای آذربایجان با عنوان «مشکلات زیست‌محیطی دریاچه ارومیه»، احمد اوبالی (سخنگوی گاماچ)، وفا قلیزاده، شیرمحمد حسینوف مورخ آذربایجانی، یاسمن قارا قویونلو از انستیتو فلسفه آکادمی ملی علوم آذربایجان، گول تکین حاجی یئوا نماینده سابق پارلمان آذربایجان. طبق گزارش سایت یورت نت، آخرین سخنران کنفرانس، نبی سوی تورک نماینده گاماچ در جمهوری آذربایجان بود که با موضوع «خواست‌های ما از آذربایجان شمالی» به بررسی تابوها و مسائل ایدئولوژیک تحمیل شده بر ملت آذربایجان جنوبی از سوی رژیم شوونیست فارس ایران پرداخت و انتظارات حرکت آزادی ملی آذربایجان جنوبی



از دولت جمهوری آذربایجان را بیان کرد.



سفارت ایران در باکو نسبت به برگزاری این کنفرانس اعتراض کرد و دکتر عباس عراقچی معاون آسیا و اقیانوسیه وزارت امور خارجه ایران ضمن احضار سفیر جمهوری آذربایجان در یادداشتی به وی «اعتراض شدیدالحن جمهوری اسلامی ایران» را اعلام کرد. در این یادداشت آمده بود: «برگزاری اجلاس‌های این چنینی می‌تواند آسیب جدی به روند مثبت و رو به توسعه روابط فی مابین وارد نماید.»

در این میان فاضل مصطفی نماینده مجلس ملی آذربایجان و عضو گروه مناسبات پارلمانی ایران و آذربایجان در واکنش به احضار سفیر آذربایجان در تهران و یادداشت اعتراضی وزارت خارجه ایران به برگزاری کنفرانس ذکر شده در باکو، اعتراض ایران را بی‌اساس خواند و اضافه کرد:

به نظر من در این نشست تمرکز بیشتر بر روی مسائل حقوق بشری بوده است و هیچ چیزی بر علیه دولت ایران در این نشست وجود نداشته است. هر آذربایجانی حق دارد به زبان مادری تحصیل کند، گرفتن این حق از آذربایجانی‌ها در ایران و اعتراض به کسانی که این حق را خواستارند، هیچ منطقی ندارد و اعتراض ایران بی‌اساس است. اگر ایران حقوق دمکراتیک آذربایجانی‌ها را به رسمیت بشناسد هیچ کس در جمهوری آذربایجان حرفی بر علیه دولت ایران نخواهد زد. ایران علناً به کشوری که دشمن آذربایجان است و بخشی از خاک آذربایجان را اشغال کرده [ارمنستان] کمک می‌کند، بنابراین جمهوری آذربایجان



هم حق دارد که در مسائل مختلف [بخوانید: دخالت در امور داخلی ایران و امکانات و فضا دادن به گروه‌های تجزیه‌طلب!] موضع خود را بیان کند.^۱ ترکیب شرکت‌کنندگان در کنفرانس گام‌اج و نیز همین سخنان فاضل مصطفی نماینده مجلس جمهوری آذربایجان به خوبی نشان می‌دهد که در هیئت حاکمه آذربایجان و مجلس آن، افراد نانجیبی وجود دارند که در عمل و به گونه‌ای آشکار بر طبل پوسیده و میان تهی تجزیه آذربایجان ایران می‌کوبند و حتی وقیحانه با ایراد اتهام کمک (نظامی) ایران به ارمنستان، خود را در موضع مقابله قرار داده و در امور داخلی ایران دخالت می‌کنند و امکانات فعالیت، تبلیغات و گردهمایی به دشمنان وحدت ارضی ایران می‌دهند. آیا ایران نیز مانند آنها عمل می‌کند و به دشمنان آذربایجان امکانات فعالیت و تبلیغات و گردهمایی می‌دهد؟! به یقین آنها باد می‌کارند و در وقت مناسب طوفان درو خواهند کرد!

حکومت و مردم ایران از جمله آذربایجانی‌ها از اینکه جمهوری آذربایجان به عنوان کشوری مستقل، اسلامی (با اکثریت مردم شیعه‌مذهب) و عضو سازمان ملل به پیشرفت و توسعه دست یابد و تمامیت ارضی خود را حفظ نماید، خوشحال و راضی خواهند بود؛ اما نمی‌توان چشم بر شیطنت‌ها و دشمنی‌ها بست و امنیت و تمامیت ارضی خود را نادیده گرفت.

پ. کنگره آذربایجانی‌های جهان، داک تأسیس داک و مفهوم آن

فردی به نام حسن اغنامی (اهل اردبیل) از سرمایه‌داران ایرانی مقیم امریکا پیشنهاد تأسیس «داک» مخفف عبارت ترکی: «دنیا آذربایجان نیلارین کنگره سی» که به فارسی «کنگره آذربایجانی‌های جهان» نامیده می‌شود را مطرح کرد. وی فردی متمول، پولدار، وکیل دادگستری در امریکا و کارمند اداره مهاجرت آن کشور بود و به ایران رفت و آمد داشت. او پیشنهاد کرد که با برپایی «کنگره آذربایجانی‌های جهان» به بررسی مشکلات آذربایجانی‌ها پرداخته شود و در ابتدا به ظاهر اهداف تجزیه‌طلبانه دنبال نمی‌شد. نخستین نشست این کنگره در سال ۱۹۹۷ در واشنگتن امریکا برگزار شد. افرادی مانند دکتر جوادی، دکتر پیروز خانلو، دکتر خاقانی (هر سه از امریکا) و دکتر حسن فروغی از لندن جزو ترتیب‌دهندگان دیگر کنگره آذربایجانی‌های جهان (داک)

۱. همان.





بودند. دو هیئت از سیاستمداران جمهوری آذربایجان در این کنگره شرکت داشتند که شامل موافقان علی اف و اوپوزیسیون آن می‌شدند. علی کریم اف (از نزدیکان ایلچی بیگ)، عارف رحیم اغلو (از جبهه خلق و نزدیکان ایلچی بیگ) عاصم ملازاده (از رهبران حزب مساوات)، هدایت اروج‌زاده و نیز هیئتی از طرف حیدر علی اف (رئیس‌جمهور پیشین آذربایجان و پدر الهام علی اف رئیس‌جمهور فعلی آن کشور) در این کنگره شرکت کردند.

کنگره نخست داک و سخنرانی حیدر علی اف در آن

کنگره نخست داک با حضور بیش از ۷۰۰ تن از آذری‌ها تشکیل شد و حیدر علی اف رئیس‌جمهور آذربایجان در سخنرانی احساسی با موج شدید پان‌آذری به دفاع از جمهوری آذربایجان و پیشرفت‌های اقتصادی و سیاسی آن پرداخت و نیز از ضرورت هماهنگی کامل آذربایجانی‌های جهان در حمایت از جمهوری آذربایجان به عنوان وطن اصلی آنها داد سخن راند! متن کامل سخنرانی وی به تاریخ ۱۰ نوامبر ۲۰۰۱ در پایگاه اینترنتی «کتابخانه بین‌المللی حیدر علی اف» به فارسی ترجمه و درج شده است. بخشی از این سخنرانی چنین بود:

اکنون در شرایطی که یک دولت مستقل آذربایجانی‌ها وجود دارد، برقراری روابط نزدیک‌تر آذربایجانی‌های مقیم کشورهای مختلف جهان با همدیگر، اعلام همبستگی‌های خود و ایجاد روابط با کشور مستقل آذربایجان در این مرحله از تاریخ به عنوان یک وظیفه خیلی مهمی پدیدار می‌شود. وظیفه دولت آذربایجان عبارت از آن می‌باشد که تا حد امکان توجه خود را به آذربایجانی‌های مقیم تمام کشورها معطوف سازد، شرایط زندگی آنان را جویا شود و روابط فی‌مابین کشورمان با جوامع آذربایجانی در کشورهای گوناگون را هر چه بیشتر توسعه دهد. آذربایجانی‌های مقیم خارج از کشورمان نیز بایستی امروزه روابط تنگاتنگ‌تری با آذربایجان مستقل برقرار سازند. همه اینها شرط اصلی تأمین اتحاد و همبستگی کل آذربایجانی‌های جهان می‌باشد...

پس از اینکه آذربایجان استقلال دولتی خود را به دست آورد، آذربایجان‌مداری به عنوان اندیشه پیشرو برای آذربایجانی‌های هم‌مقیم آذربایجان و هم‌کل جهان ایده اصلی قرار گرفته است. ما همیشه



بایستی پیرامون این ایده یکپارچه شویم... همگان - هم شما و هم ما باید کارهای زیادی انجام دهیم تا جوامع قوی آذربایجانی تشکیل شود و آذربایجانی‌های مقیم کشورهای مختلف هر چه بیشتر تقویت یابند. از نظر اقتصادی بیش از پیش مستحکم گردند و بتوانند در حیات سیاسی اجتماعی کشورهای مورد اقامتشان حضور فعالی داشته باشند. بتوانند تأثیر خود را بر حیات آن کشور اعمال کنند. بدین وسیله ضمن تبلیغ استقلال آذربایجان و سیاست خارجی آن در کشورهای مختلف، به حل مشکلات آذربایجان کمک نمایند. معتقدم که آذربایجانی‌های جهان بایستی این راه را طی کنند و در این راه امکانات بزرگی که هنوز استفاده نشده است، وجود دارد. این کنگره نیز که امروز آغاز به کار کرده است، صرفاً این هدف را به دنبال دارد.

در ادامه علی اف خیر از تشکیل ارگان ویژه وابسته به حکومت آذربایجان برای رسیدگی به امور آذربایجانی‌های دنیا داد و گفت:

به منظور انجام خدماتی برای حضور فعالانه آذربایجانی‌ها در مسائل سیاسی - اجتماعی کشورشان و احراز جایگاه برجسته و تأثیرگذار، ما برای تأسیس یک ارگان ویژه‌ای وابسته به دولتمان در امور جوامع آذربایجانی نیز تصمیم خواهیم گرفت. فکر می‌کنم چنین ارگانی متمرکز، یعنی یک مقام دارای تماس دائم با جوامع آذربایجانی هم موجبات شکل‌گیری جوامع آذربایجانی و هم توسعه هر چه بیشتر روابط فیما بین را فراهم خواهد آورد... آذربایجانی‌های مقیم کشورهای خارجی با سرعت بیشتری سازمان یافته و همه ما با هم آذربایجان‌گرایی رازنده، جاویدان و ابدی خواهیم ساخت...^۱

کنگره اول آذربایجانی‌های جهان به علت تبلیغات سوء پان‌ترکیست‌هایی مانند احمد اوبالی (احمد یوسفی سادات) و... شکست خورد. آنها نسبت به این موضوع معترض بودند که چرا در نشست از پرچم جمهوری اسلامی استفاده شده است و چرا کنگره در مورد تمامیت ارضی ایران حسن نیت دارد؟! گروه پان‌ترکیست در نشست نخست در اقلیت بودند، اما بعدها توانستند کنگره را به دست بگیرند.

۱. سایت اینترنتی کتابخانه بین‌المللی حیدر علی اف:

<http://lib.aliyevheritage.org/pe/2428604.html>



ضیاء صدرالاشرفی، فریدون زندنیا، نورالدین غروی، اژدر تقی‌زاده (از سوئد)، علیرضا قزوین‌زاده (از اهالی اردبیل)، نظمی افشار، احمد اوبالی، رضا سلحشور و... در این نشست حضور داشتند. حاصل جلسه نخست داک این شد که حسن اغنامی به عنوان رئیس و ضیاء صدرالاشرفی به عنوان معاون انتخاب گردید. احمد اوبالی، علی نظمی و رضا سلحشور نیز به عنوان هیئت منتخب حضور داشتند.

کنگره دوم داک

در کنگره دوم تجزیه‌طلبانی مانند نظمی افشار و رضا سلحشور توانستند کنگره را به دست بگیرند و حسن اغنامی کنار گذاشته شد. در این امر علیرضا اصغرزاده از کانادا سهم بارزی داشت. وی از دشمنان زبان فارسی و تمامیت ارضی ایران است. در این کنگره علی نظمی افشار به ریاست رسید و کسانی مانند علیرضا اصغرزاده، رضا سلحشور، بیوک رسولوند، اژدر تقی‌زاده، هاشم پاشایی، علی خشتی، جیحون ملازاده، احمد یوسفی سادات (معروف به اوبالی) از اعضای منتخب کنگره به شمار رفتند. جالب اینکه در پایان نشست دوم، پرچم رژیم باکو در میان تشویق‌های بسیار به اهتزاز درآمد و تندیس ستارخان نیز در زیر آن قرار گرفت. به این ترتیب دشمنان دیرینه ملت ایران بخشی از انتقام خود را به صورت نمادین از یادبود ستارخان گرفتند و مردی که می‌گفت: «من می‌خواهم هفت کشور زیر بیرق ایران باشد» را زیر بیرق دولتی بردند که سه دهه از ظهور آن نمی‌گذرد!

به همین مناسبت پیام‌های تبریک حیدر علی‌اف، ایلچی بیگ و رسول قلی‌اف قرائت شد. سفیر آذربایجان در امریکا نیز در این کنگره به سخنرانی پرداخت. این کنگره تجزیه‌طلب، مهم‌ترین مطالبه خود را «حق تحصیل به زبان ترکی آذربایجانی در ایران» عنوان نمود و نمایندگان رسمی دولت باکو نیز بر آن صحنه گذاشتند! اما باید پرسید تحصیل به زبان ترکی آذربایجانی در ایران چه سودی برای رژیم باکو دارد که حاضر است به خاطر آن علیه همسایه قدرتمند جنوبی خود موضع خشنی بگیرد؟! چرا کنگره‌ای با این شکل و صرف هزینه‌های بسیار، تمام هم و غم خود را صرف این هدف می‌کند؟ آیا اهداف بلندمدتی را علیه یکپارچگی سرزمین ما دنبال نمی‌کنند؟

بعد از کنگره دوم در میان اعضای هیئت‌رئیس‌ه اختلافا‌های بیشتری بروز نمود. مؤسس کنگره یعنی حسن اغنامی در نشست دوم کنگره کنار گذاشته شد، علی نظمی افشار نیز بعد از نشست دوم از کنگره اخراج شد. علیرضا احسنگر ترتیبی داد تا جناح

سلحشور - رسولوند را از کنگره با تحقیر بسیار اخراج نمایند. همچنین هاشم پاشایی، بیوک رسولوند را که در باکو باید مأموریت خود را انجام می‌داد، طرد و رد نمود. پاشایی بیان داشت که «رسولوند جاسوس و عامل دولت ایران است و در باکو با سرویس‌های اطلاعاتی ایران مرتبط شده است.»

اختلافات درون‌سازمانی در نهایت باعث شکاف اساسی در داک شد و جناح نظامی افشار و پاشایی در برابر جناح سلحشور، جیحون ملازاده و اوبالی قرار گرفت.

کنگره سوم داک

کنگره سوم داک با برخی از حاشیه‌ها با شرکت ۳۵۰ نفر در کلن آلمان برگزار شد. در این نشست نورالدین غروی اداره جلسه را به عهده داشت و اژدر تقی‌زاده و رضا سلحشور دستیاران وی بودند. هر چند حضور نمایندگان سیاسی رژیم باکو این بار کمرنگ‌تر از نشست‌های قبلی بود، اما در نشست کلن این افراد از سوی دولت باکو حضور داشتند: صمد نیکنام (اردبیلی ساکن باکو)، جعفر صادق موسوی، خانم تنزیه رستم‌خانلی همسر صابر رستم‌خانلی (نماینده ضد ایرانی مجلس ملی آذربایجان و یکی از رؤسای داک) و علی‌یار صفری سفیر اسبق رژیم باکو در تهران.

کنگره سوم داک مورد پوشش وسیع رادیو فارسی آزادی قرار گرفت و طی آن افراد زیر به عنوان هیئت رئیسه انتخاب شدند:

بهرروز حقی: از اهالی تبریز که در ایران ۱۵ سال زندانی بود.

احمد یوسفی سادات: وی از اهالی مغان در اردبیل است.

رضا سلحشور: وی اهل تبریز و در ظاهر معلم موسیقی آذربایجان بود.

جیحون ملازاده: وی ساکن امریکا و از عوامل حیدر علی‌اف محسوب می‌شد.

نورالدین غروی: وی دندان‌پزشک در شهر کلن آلمان بود که نشریه/نمادیلی (زبان مادری) را در کلن منتشر می‌کرد.

محمد مشتاق: وی ایرانی‌الصل ولی از عوامل سرویس‌های اطلاعاتی ترکیه برای تشکل‌های پان‌ترکی بود و قبلاً نیز در تشکیل «میللی شورا» نقش مهمی از سوی ترکیه ایفا کرد. حضور وی در هیئت‌رئیسه داک نشان از علاقه ترکیه به نفوذ و نقش‌آفرینی در این تشکل داشت.

رحیم شهبازی: مهندس ارتباطات در شرکت مخابرات امریکا.

تیمور امین‌اف: از عوامل ایلچی بیگ.



نکته قابل ذکر در مورد کنگره کلن این بود که حیدر علی اف (رئیس جمهور وقت آذربایجان) تلاش کرد که به صورت غیر مستقیم از این تشکل جدایی طلب حمایت نماید. وی برای حفظ ظاهر این بار پیامی برای کنگره ارسال نکرد و دستورات خود را از طریق «نصیب نصیب اف» منتقل نمود. نصیب اف خود در کنگره حضور نداشت و اوامرش را با تلفن به اژدر تقی زاده منتقل می کرد. همچنین تعداد کمتر شرکت کنندگان کنگره سوم حاکی از سازماندهی ضعیف کنگره بود. مدعویین به کلن در اتاق های شش و هفت نفره اقامت داده شدند و با ساندویچ سرد از آنها پذیرایی شد. در این کنگره جناح نظامی افشار به کلی کنار گذاشته شد و جناح احمد اوبالی که رسماً تجزیه طلب بود، اداره کنگره را در دست گرفت.



خائنین به کشور: علیرضا اصغرزاده (عضو داک)، رضا براهنی، احمد اوبالی (مدیر گونا، از مهره های اصلی داک)، لیلا مجتهدی (همکار روزنامه قومیت گرای شهروند در کانادا) و دو تن دیگر

داک همواره اعلام کرده است که خواهان تجزیه آذربایجان ایران و اتحاد با جمهوری آذربایجان و در نهایت تشکیل یک آذربایجان واحد می باشد. این تشکیلات مالیخولیایی دشمنی عجیبی با دیگر قومیت های ایران به ویژه کردها دارد که به ادعای آنان در بخش هایی از آذربایجان ساکن اند. اوبالی بارها در کانال گونا، کردهای ایران را تحقیر و مردم را به اخراج آنها از شهرهای آذربایجان دعوت کرده و گزینه نظامی را هم علیه کردها مدنظر دارد! از نظر اوبالی «کرد یک ناسزا است!» و هر کس با اوبالی مخالفت کند، یک نسب نامه کردی برایش ترتیب داده می شود و مادر بزرگ یا پدر بزرگش کرد از آب

درمی آید! (به یقین کرد بودن ننگ نیست و کردها از اقوام اصلی و اصیل ایران هستند. کردستان بزرگ هم بخشی از کشور بزرگ ایران بود که قسمت‌های بیشتر آن با شکست شاه اسماعیل صفوی در چالدران از پیکر مام میهن جدا گشت و در اختیار دولت متجاوز عثمانی قرار گرفت.)

علیرضا اصغرزاده از اعضای قدیمی داک تلاش می‌کند در قامت یک فرد آکادمیک ظاهر شود و ادعاهای تجزیه‌طلبان را در قالب نظریه‌های ملت و هویت ملی عرضه نماید تا شاید بتواند فقر نظری قومیت‌گرایان ترک را جبران نماید. به همین جهت چندان میل ندارد با افرادی چون اوبالی دیده شود تا به آسانی در مجامع علمی ظاهر شده و متهم به پیش‌داوری‌های سیاسی و پیش‌فرض‌های از قبل تعیین شده نگردد. اصغرزاده یکی از کتاب‌های خود را به وسیله انتشارات مک میلان منتشر نموده است. خانم برندا شیفر استادیار دانشگاه تل‌آویو و طرفدار تجزیه ایران و نویسنده چند کتاب تئوریک برای تجزیه‌طلبان ترک در چاپ کتاب اصغرزاده توسط انتشارات مک میلان نقش مهمی داشته است.¹

در جمهوری آذربایجان نیز گاه کنگره‌های به اصطلاح «آذربایجانی‌های جهان» برگزار می‌شود.

نظریات دکتر افشار سلیمانی سفیر سابق ایران در باکو

دکتر افشار سلیمانی سفیر سابق ایران در باکو پیرامون کنگره سوم داک می‌گوید:
... آنچه که این کنگره را با کنگره پیشین بیشتر متمایز می‌کند، عدم دعوت از ایرانیان آذری تبار و به تبع آن عدم حضور نمایندگان خودساخته از اتباع ایرانی آذری تبار است. از سوی دیگر در این تجمع از احزاب مخالف و مطبوعات مخالف و مستقل جمهوری آذربایجان نیز دعوت به عمل نیامده بود. به طوری که عیسی قنبر رهبر «حزب مساوات آذربایجان» با انتقاد از دولت باکو این کنگره را در راستای منافع حاکمیت و نه آذربایجانی‌ها تلقی نموده است.

رهبر «حزب جبهه خلق آذربایجان» نیز بر این نکته تأکید نموده که سخنرانی الهام علی‌یف در کنگره انعکاس واقعیات آذربایجان نبود. از یک‌سور رئیس جمهور آذربایجان در سخنان خود به موضوع اختلاف

1. www.cloob.com/user/memoirs/one/username/babak_emreh/memid/3143920





و تنش میان سفارتخانه‌های آذربایجان با نهاد آذربایجانی‌های مقیم خارج از کشور اشاره نمود و ناظم ابراهیم اف رئیس «کمیته دولتی آذربایجانی‌های خارج از کشور» قول داد که این ایراد را به نحو شایسته‌ای حل و فصل نماید و موجبات همدلی میان دیپلمات‌های آذربایجان و نمایندگان آذری‌های ساکن در خارج را فراهم نماید. اختلافاتی که میان افراد و شخصیت‌های کنگره آذربایجانی‌های جهان موسوم به داک وجود دارد، مانع از تعمیق فرآیندهای آن می‌گردد؛ به گونه‌ای که صابر رستم خانی نماینده ضد ایرانی مجلس ملی آذربایجان و یکی از رؤسای داک در سخنان خود به وجود این اختلافات و جناح‌بندی‌های موجود در درون این تشکیلات اشاره نمود و بر ضرورت ارتقای سازماندهی این نهاد تأکید کرد.

بر اساس اخبار منتشره، در این کنگره قریب ۱۲۷۲ نفر اعم از رهبران نهادهای غیر حکومتی آذربایجانی‌های خارج از کشور (تشکیلات دیاسپورا)^۱ و مهمانان مدعو شرکت داشتند که عمده‌ترین آنها عبارت بودند از:

روسیه ۱۵۵ نفر، ترکیه ۱۰۱ نفر، اکراین ۴۹ نفر، آلمان ۴۳ نفر، گرجستان ۴۱ نفر، آمریکا ۲۵ نفر، سوئد ۲۳ نفر، هلند ۲۱ نفر، اسرائیل ۱۷ نفر، ازبکستان ۱۳ نفر، فرانسه ۱۲ نفر، انگستان ۱۱ نفر و کانادا ۱۰ نفر. از شخصیت‌های عالی‌رتبه‌ای که مهمان کنگره سوم بودند می‌توان از افراد ذیل نام برد:

احمد بی کلدیبیکف، رئیس پارلمان قرقیزستان.

پاپون داویتایا، وزیر امور دیاسپورای گرجستان.

کمال یورتناج، رهبر تشکیلات دیاسپور ترکیه.

میخائیل فورموزا، رهبر خودمختاری کاکائوز ملدوای.

ولادیسلاو شوئسلف، رئیس آژانس فدرال روس‌های ساکن در خارج

۱. جوامع دور از وطن یا دیاسپورا (به انگلیسی: Diaspora) به پراکندگی، مهاجرت یا آوارگی گروهی از مردم اطلاق می‌شود که دور از خانه و کاشانه اصلی خویش زندگی می‌کنند و در دنیا پراکنده شده‌اند. گروهی از مردم که دارای ریشه مشترکی هستند و از خانه خود رانده شده و یا فرار کرده‌اند. نمونه بارز آن ارمنی‌های ترکیه می‌باشند که توسط دولت عثمانی به سمت دیگری رانده شده‌اند. ایجاد جوامع دور از وطن می‌تواند خودخواسته یا ناخواسته باشد. بسیاری از ایرانیان، بعد از انقلاب اسلامی ایران به کشورهای دیگر به خصوص ایالات متحده آمریکا مهاجرت کردند. همچنین می‌توان به مهاجران افغانی در ایران اشاره کرد.

از کشور.

تنها رئیس جمهوری که به این کنگره پیام تبریک ارسال نمود، میخائیل ساکاش ویلی رئیس جمهور گرجستان بود که در پیامش آذری‌های گرجستان را مولد و این کنگره را به نفع هر دو کشور دانست. در واقع اکثریت قریب به اتفاق شرکت کنندگان در کنگره به ویژه رهبران تشکل‌های آذری‌های ساکن خارج کشور از سوی دولت آذربایجان پشتیبانی می‌شوند و اهدافی که از سوی دولت باکو ترسیم می‌شود از سوی آنان پی‌گیری می‌شود. در همین رابطه می‌توان سخنان جمال محمدخان اوغلو رئیس مرکز فرهنگی از میر-آذربایجان را شاهدی بر ادعا مطرح نمود. او می‌گوید: «کمیته دیاسپورا کسانی را دعوت می‌کند که تابع اوامر آنها باشند.»

خبرگزاری توران آذربایجان بدون ذکر نام به نقل از یکی از شرکت کنندگان نوشت: «اگر الهام علی‌یف اعلام می‌کند رئیس‌جمهور ۵۰ میلیون آذربایجانی است، باید نمایندگانی هم از سوی ۳۵ میلیون آذری ایرانی در این کنگره حضور می‌داشتند. دولت آذربایجان عدم دعوت از آذری‌های ایران را به این صورت توجیه می‌کند که آذری‌های ایران دیاسپور نیستند و آنها ساکنان ریشه‌دار ایران هستند. اما این هم قابل انتقاد است چرا که آذری‌های گرجستان هم در این کشور ریشه دارند و دیاسپور نیستند. پس چرا از آنها برای شرکت در کنگره دعوت شده است؟ لذا این موضع آذربایجان را می‌توان ناشی از فشار رژیم تهران ارزیابی نمود.»

صابر رستم خانلی هم بدون ذکر عبارت به اصطلاح آذربایجان جنوبی و ۵۰ میلیون آذری، از تضييع حقوق آذری‌های ایران سخن به میان آورد و گفت: «هر روز در ایران تعدادی آذری به دار آویخته می‌شوند، آذربایجانی‌ها در ایران نمی‌توانند بر روی فرزندان خود نام‌های آذری بگذارند. آیا دولت ایران آذری‌ها را در ایران له خواهد کرد و ما ناظر این اعمال خواهیم بود؟» او خطاب به دولت کشورش گفت: «چرا در آذربایجان تشکل داک را ثبت نمی‌کنید و از دولت تروریست ایران می‌هراسید؟»





به نظر من به‌رغم بزرگ‌نمایی‌های رسانه‌ای کنگره سوم، این گونه تحریکات در امنیت ملی کشورمان دارای تأثیری ملموس نخواهد بود. جمهوری آذربایجان علاقمند تأثیرگذاری آذری‌های ایران که تعدادشان بیش از ۳ برابر جمعیت جمهوری آذربایجان است بر روند تحولات این کشور در حوزه‌های مختلف نیستند.^۱

گردهمایی تازه داک و اعتراض وزارت خارجه

داک در ۱۷ شهریور سال ۱۳۹۳ گردهمایی و نشست خود را در باکو ترتیب داد که در آن سخنان ضد ایرانی گفته شد و راهکارهایی برای مقابله با جمهوری اسلامی و تجزیه آذربایجان ایراد گردید. این نشست واکنش تند مقامات وزارت خارجه ایران را در پی داشت. سفارت ایران در باکو با انتشار بیانیه‌ای نشست گروهک تجزیه‌طلب داک در باکو را محکوم کرد. در این بیانیه آمده بود:

در این نشست افراد شناخته‌شده‌ای که سال‌ها است در خدمت اهداف دشمنان مردم ایران و جمهوری آذربایجان قرار دارند، این بار نیز توسعه مناسبات دو کشور دوست و برادر (ایران و آذربایجان) را هدف گرفته و در هم‌سویی با رسانه‌های صهیونیستی در مسیر تضعیف دوستی دو ملت به تبلیغ افکار تجزیه‌طلبانه پرداختند. گروهک‌های تجزیه‌طلب و رسانه‌های صهیونیستی مانند دو لبه قیچی‌اند که قصد بریدن حلقه‌های اتصال دو ملت ایران و جمهوری آذربایجان را دارند. خوشبختانه با هوشیاری مردم و درایت مسئولان دو کشور، دسیسه‌های دشمنان خنثی شده و مناسبات دو طرف مسیر توسعه را می‌پیماید.

سفارت ایران هتاکی و بی‌احترامی این گروهک تجزیه‌طلب به جمهوری اسلامی را محکوم کرده و از مجاری دیپلماتیک و راه‌های قانونی، برخورد حقوقی لازم با کسانی که به ملت بزرگ ایران به خصوص آذربایجانی‌های غیور این کشور توهین کرده‌اند را پیگیری خواهد کرد. جمهوری اسلامی ایران اجازه برگزاری نشست‌های ضد آذربایجانی را نمی‌دهد و انتظار دارد که مقامات جمهوری آذربایجان نیز برخورد

۱. مؤسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس)، گفت‌وگو با دکتر افشار سلیمانی، سفیر سابق ایران در باکو؛ <http://strategicreview.org>

قانونی لازم را با گروهکی که تمامیت ارضی ایران را زیر سؤال برده است، انجام دهند.^۱

شیرین عقلی و نانجیبی احمد اوبالی از سران داک را از این جملات وی که در روز پنجشنبه اول تیر ۱۳۹۱ از گونا تی وی پخش گردید، می توان به خوبی فهمید:

اسم استان های گیلان و کرمانشاه، آذربایجان بوده و حکومت های گذشته، نام آذربایجان را از این سرزمین ها حذف کرده اند و من حاضرم در این مورد با هر کسی مناظره کنم. اردبیل نباید از بدنه آذربایجان جدا می شد. این یک حرکت «ضد آذری» بود.^۲ دیگر قومیت های ایرانی، همه دشمن آذری ها هستند.

ترکیه منادی اتحاد ترک های جهان

حکومت باکو و پان ترکیست های تحت تابعیتش به دنبال اتحاد آذری های جهان و تشکیل آذربایجان بزرگ به مرکزیت باکو هستند و از این بابت چشم چرانی های نانجیبانه ای به آذربایجان ایران دارند. اما حکومت ترکیه و پان ترکیست های زیر دستش پارا بسیار فراتر گذاشته و به دنبال اتحاد ترک های جهان و تشکیل ترکستان بزرگ با مرکزیت آنکارا هستند. آذربایجان ایران یکی از مهره های مهم این پازل را تشکیل می دهد.

در ترکیه پس از فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد، سیاست «نگاه به شرق» فعال شد. بر اساس این سیاست، دولتمردان ترکیه نقش جدیدی برای این کشور در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز قائل شده اند. وجود پنج جمهوری ترک نشین: آذربایجان (در قفقاز + آذربایجان ایران با جدایی از ایران و پیوستن به جمهوری آذربایجان!!)، ترکمنستان، قزاقستان، ازبکستان و قرقیزستان (در آسیای مرکزی) و اشتراکات زبانی، فرهنگی، قومی و دینی به توسعه و تحکیم روابط ترکیه با این جمهوری ها منجر شده است. دیدگاه های ترک گرایی افراطی درباره نقش ترکیه به عنوان «برادر بزرگ تر» در مناسبات با این کشورها و طرح های پان ترکیستی اولیه چون «تشکیل جامعه ترک» با محوریت ترکیه و شرکت جمهوری های ترک منطقه و طرح تشکیل «وزارت جهان

۱. واکنش تند ایران به نشست ضد ایرانی در باکو، ۱۳۹۳/۶/۱۸؛

<http://www.isna.ir/fa/news/93061811112>

۲. اردبیل به همراه شهرهای تابعه اش در راستای خدمت رسانی بهتر به مردم شریف، طبق قانون و با درخواست مکرر اهالی آن سامان استان شده است.





ترک» در دولت ترکیه به دلیل مخالفت‌های روسیه و غرب به اجرا درنیامد. با این همه، ترکیه برای ترویج ترک‌گرایی و معرفی این کشور به عنوان الگوی موفق حکومت مردمی، غیر مذهبی و مبتنی بر نظام سرمایه‌داری اقتصاد بازار، سیاست‌ها و برنامه‌های فرهنگی و آموزشی ویژه‌ای را در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز در پیش گرفته است. از مهم‌ترین این برنامه‌ها و فعالیت‌ها - که نگاه خاصی در آنها به آذربایجان ایران وجود دارد - عبارت‌اند از:

۱. تشویق کشورهای این منطقه به تغییر خط خود از روسی به لاتین (مانند ترکیه).
۲. کوشش برای تبدیل ترکی استانبولی به زبان مشترک منطقه.
۳. برگزاری گردهمایی‌هایی با شرکت سران کشورهای ترک زبان منطقه.
۴. پخش شبانه‌روزی برنامه‌های تلویزیون خصوصی و دولتی برای این جمهوری‌ها.
۵. تأسیس مدارس دینی و مراکز آموزش حرفه‌ای و دانشگاهی در کشورهای منطقه برای ترویج فرهنگ ترکیه و آتاترکیسم.
۶. پذیرش دانشجویان در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی ترکیه برای پرورش جوانان آنها با الگوی خویش.
- برخی کاربدستان امور خارجه و آموزش عالی ترکیه با کمک پان‌ترکیست‌های ایرانی، تشکیلاتی برای جذب جوانان آذری ایرانی جهت ادامه تحصیل در دانشگاه‌های ترکیه به راه انداخته و برای جذب‌شدگان تسهیلات تحصیلی، اقامت و کمک‌های مالی در نظر می‌گیرند.
۷. تأسیس کنفرانس دائمی رؤسای دانشگاه‌های جهان ترک در آنکارا از سال ۱۹۹۳ برای نهادینه کردن فعالیت‌های دانشگاهی.
۸. تلاش برای تدوین تاریخ واحد جهان ترک و نگارش کتاب‌های تاریخی برای کشورهای تازه استقلال یافته از شوروی.
۹. پخش هزاران نسخه از روزنامه‌های مهم ترکیه مانند *زمان* و *ملیت* در کشورهای مذکور.^۱

حزب اقدام ملی ترکیه و گرگ‌های خاکستری عقبه پان ترکیست‌ها

یکی از نشانه‌های وابستگی پان ترکیست‌ها در آذربایجان ارتباطات گسترده آنها با نهاد و سازمان‌های ضد ایرانی در سراسر جهان از ترکیه تا امریکا و اسرائیل است. در این تصویر می‌بینید که احمد اوبالی از اعضای داک (مدیر گونا تی‌وی) و از ایرانیان پان ترکیست با «دولت باغچه‌لی» دبیر کل «حزب اقدام ملی ترکیه» در حال دست دادن است.



احمد اوبالی در حال دست دادن با دولت باغچه‌لی دبیر کل حزب اقدام ملی ترکیه

حزب اقدام یا حرکت ملی عمده‌ترین تشکل پان ترکیست در ترکیه محسوب می‌شود و مرام آن: «ناسیونالیسم ترکی و پان ترکیسم» و از لحاظ موضع سیاسی «راست افراطی» است.

یکی از ویژگی‌های حزب حرکت ملی گرا داشتن شاخه نظامی و تأکید بر سازماندهی نظامی و تربیت نیروهای معروف به «گرگ‌های خاکستری» در اردوگاه‌های ویژه و استفاده از آنها برای مرعوب ساختن مخالفان سیاسی خود به ویژه احزاب و سازمان‌ها و روشنفکران چپ است.

دانشنامه ویکی‌پدیا بر اساس اطلاعات مندرج در منابع ترکیه، اروپا و امریکا واقعیت‌های تکان‌دهنده‌ای از تشکیلات گرگ‌های خاکستری ارائه می‌کند. آیا پان ترکیست‌های آذربایجانی به میزان خطرناکی اهداف و نسل‌کشی‌های بالفعل آن سوی شعارهای احزابی چون اقدام ملی ترکیه و دندان‌های خونین گرگ‌های خاکستری که هر مخالف و حتی منتقدی را تکه تکه خواهند کرد، توجه داشته و دارند؟! بخوانید: سازمان جوانان حزب جنبش ملی ترکیه یک گروه افراطی، تروریستی





و نوفاشیستی است. این نام از افسانه آسنا که یک گرگ خاکستری ماده بوده و مادر جد توتمی ترکان تلقی می‌شود گرفته شده است.

گرگ‌های خاکستری سازمانی است با اهداف فراملیتی. این جنبش توسط سرهنگ آلپارسلان ترک در سال ۱۹۶۹ با الهام گرفتن از ایده‌های موسولینی بنیان نهاده شد. در ادبیات سیاسی ترکیه گرگ‌های خاکستری نماد پان ترکیسم به حساب می‌آید. این سازمان به جرایم سازمان یافته می‌پردازد و با مافیای ترکیه و سازمان سیارابطه دارد. دولت ترکیه ۶۹۴ فقره قتل بین سال‌های ۱۹۷۴ تا ۱۹۸۱ را به گروه گرگ‌های خاکستری نسبت داده است.

در خارج از ترکیه نیز این سازمان متهم به قتل کوتلو آدلی (Kutlu Adali) روزنامه‌نگار قبرسی در سال ۱۹۹۶ شده است که مخالف سرسخت سیاست‌های کشور ترکیه در قبرس بود. در همان سال، یکی از معاونین تانسو چیپلر اعتراف کرد که عبدالله چتلی، رهبر گرگ‌های خاکستری، مسئول آتش‌سوزی‌های عمدی متعددی در یونان بوده است. پیش‌تر از این در سال ۱۹۸۱، مهمت علی آقا از اعضای سابقه‌دار گرگ‌های خاکستری، اقدام به شلیک و مضرور نمودن پاپ ژان پل دوم در واتیکان نمود.

در مقاله‌ای تحت عنوان «عقاید گرگ‌های خاکستری» (The creed of the Grey Wolves) چاپ نشریه بزکورت (گرگ خاکستری Bozkurt) در آذربایجان ایران بزقورد گفته می‌شود که نشریه رسمی گرگ‌های خاکستری است، ایدئولوژی و استراتژی گرگ‌های خاکستری با جملات زیر عنوان گردیده:

«ما که هستیم؟ اعضای گرگ‌های خاکستری. (Bozkurtcu) اعتقادمان چیست؟ ترک بودن گرگ خاکستری. (Bozkurt) کیشمان چیست؟ برتر بودن نژاد ترک. اصل این برتریت در کجاست؟ خون ترک. آیا ما پان ترکیست هستیم؟ آری!»

در میان شعارهای سیاسی گرگ‌های خاکستری، موارد زیر دیده می‌شود:

«کشور ترک‌ها نه ترکیه است نه ترکستان، بلکه میهن تمام ترک‌ها

کشور ابدی تورانیان است. همه چیز برای ترک و نفع او باید باشد. هدف ما اتحاد ۱۰۰ میلیون ترک در یک کشور واحد است.»^۱

مدتی بعد از استقلال جمهوری آذربایجان از شوروی، سرهنگ آلپارسلان سفری به این جمهوری کرد و در آن برای انتخاب ابوالفضل ایلچی بیگ (یکی از طرفداران خود) به ریاست جمهوری تلاش بسیار کرد. بعد از انتخاب ایلچی بیگ، وی به همراه وزیر کشور خود اسکندر حمیدوف در چندین نوبت خواستار تشکیل ترکیه بزرگ که شامل تمام نواحی شمالی ایران نیز می‌شد، گردید.^۱

بسیاری از اعضای جوان گرگ‌های خاکستری سبیل چنگیزی دارند و با انگشت، گرگ خاکستری را اشاره می‌کنند. آنها با مالیدن پوزه‌هایشان به یکدیگر سلام می‌کنند و مدام عادات گرگ‌ها را تقلید می‌نمایند. حزب حرکت ملی هواداران زیادی در ارتش و



روی جلد نشریه بزکورت فاصله سال‌های ۱۹۴۲-۱۹۳۹. کادر نقطه‌چین، وسعت امپراتوری مورد نظر پان ترکیست‌ها را شامل مناطق شمالی ایران و افغانستان نشان می‌دهد. روی عنوان نشریه جمله «نژاد ترک، برتر از همه نژادها» نوشته به چشم ماه و ستاره شده و تصویر گرگ خاکستری درون می‌خورد.

۱. گرگ‌های خاکستری <https://fa.wikipedia.org/wiki/> منابع نوشتار در متن مقاله ویکی پدیا موجود است.



میت (سازمان اطلاعات و امنیت ترکیه) دارد. دبیر کل سابق و بنیانگذار آن «آلپارسلان تورکش» از افسران رده بالای ارتش بود و دبیر کل فعلی نیز عضو میت است. این حزب می‌کوشد الگوهای رفتاری خود را به تجزیه‌طلبان آذربایجان ایران منتقل نماید.



نحوه سلام دادن و نشان دادن
نماد پان ترکیست‌های گرگ‌های
خاکستری (بوزقورد) بادست، که پوزه
و چهره یک گرگ را نداعی می‌کند



نشان سازمان جوانان حزب
جنبش ملی ترکیه
ترجمه نوشته لوگو: خداوند ترک را
حفظ کند و متعالی گرداند

در جمهوری آذربایجان نیز احزابی با نام‌های «آذربایجان بوزقورت پارتیاسی» (حزب گرگ خاکستری آذربایجان) و «آذربایجان چاغداش توران پارتیاسی» (حزب توران معاصر آذربایجان) با اندیشه‌ها و اهداف پان ترکیستی شروع به فعالیت نموده‌اند. به یقین تجزیه‌طلبان آذربایجان سالانه کمک‌های مالی اعم از نقدی و غیر نقدی و انواع و اقسام دیگر کمک‌ها از «حزب اقدام ملی ترکیه» و نهادهایی که این حزب در آن نفوذ دارد دریافت می‌کنند و هر دو گروه از این تعامل راضی هستند! به گفته آقای بهمن پیرنیاکان از محققان تبریزی:

آقای ج. ک یکی از پان ترکیست‌های افراطی تبریزی پس از مدتی از کارهای خود دست کشید و در بیان علت آن گفت: از ترکیه برای من چک پول آوردند و گفتند از فعالیت‌های شما حمایت می‌کنیم و من عقب کشیدم زیرا دیدم دست بیگانه در کار است!^۱

۱. گفت‌وگوی نگارنده با آقای بهمن پیرنیاکان، تبریز، ۱۳۹۱/۱/۲۹.

پان تر کیسم در آذربایجان ایران

پان تر کیسم یا به ترکی (به ترکی استانبولی Türkçülük تور کچولوک)، یک ایدئولوژی ملی گرایانه و توسعه خواهانه است که بر پایه آن تمام مردمانی که ترک تبار هستند و یا به زبان ترکی سخن می گویند، باید تحت یک ملت و رهبری واحد در دولتی واحد و مستقل متحد شوند. هدف پان تر کیسم گرد آوردن همه ترک زبانان از جمله ترک زبانان ترکیه، جمهوری آذربایجان، قبرس، بلغارستان، شبه جزیره بالکان، آسیای مرکزی، عراق، ایران، افغانستان، ترکستان چین (ایالت سین کیانگ)، قفقاز، کریمه، ماوراء قفقاز، تاتارستان، حوالی رود ولگا و سبیری تحت رهبری ترکیه است.^۱

پان تر کیسم در استان های ترک زبان ایران و به ویژه در آذربایجان، به عللی چون علاقه شدید مردم به وحدت ارضی کشور ایران و انقلاب اسلامی، اختلاف مذهبی بین آذربایجان و ترکیه، جنگ های طولانی بین ایران و عثمانی و تجارب تلخ اشغال آذربایجان از سوی نیروهای عثمانی و... زمینه رشد قابل ملاحظه ای نداشته و به طور کلی بیش از آنکه درون جوش باشد، پدیده ای وارداتی و ناپایدار است. در ایران، پان تر کیسم بر روی چند موضوع به گونه ای برجسته متمرکز شده است و این جریانات مورد تحریف و وارونه نمایی در جهت مصادره به مطلوب اندیشه پان تر کیسم قرار گرفته اند:

۱. ضعیف نشان دادن و وابسته کردن زبان پارسی تنها به قوم پارس و کم رنگ کردن نقش زبان پارسی به عنوان زبان رسمی و مشترک اقوام ایرانی.
۲. نشان دادن تباری غیر ایرانی برای آذربایجانی ها (در حالی که آزمایش های DNA نشان می دهد آذربایجانی ها ایرانی و ترک زبان هستند نه ترک نژاد).
۳. ارائه آمارهای جمعیتی غیر از آمار رسمی کشور نظیر ۳۰ میلیون ترک ساکن در ایران. (داده های آماری امریکا و سازمان ملل مؤید عدد مذکور نیست).
۴. یکسره رد کردن وجود اصطلاح و تبار «آریایی» و تاریخ ایران باستان و همچنین القای این موضوع که واژه و نام ایران پیشینه ای ندارد.
۵. تحریف قرار دادهای ترکمنچای و گلستان و اشاره به دو تکه شدن

۱. عنایت الله رضا، پان تر کیسم، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۳، ج ۱۳، ص ۵۴۹.





- کشوری به نام آذربایجان در پی این قراردادها.
۶. ترک خواندن مادها، سکاها، سومری‌ها، عیلامی‌ها، اورارتویی‌ها، میتانی‌ها، ماننایی‌ها، هیتی‌ها، کاسی‌ها، اشکانیان، تورانیان... مولانا، ابوریحان بیرونی، نظامی گنجوی، بابک خرمدین و...
 ۷. تاختن به بزرگان و نام‌آوران فرهنگی و تاریخی کشورهای پیرامون به ویژه ایران.
 ۸. دست بردن در جای نام‌ها برای مصادره این نام‌ها به سود خود، مانند: اورمو (ارومیه)، باکی (باکو)، فارسستان (ایران)، قشقایستان (استان فارس)، آذربایجان جنوبی (آذربایجان ایران و...).
 ۹. تحلیل‌های ناکارشناسانه و کاملاً نادرست در مورد زبان‌های ترکی و فارسی و... مبنی بر قانونمند و توانمند بودن زبان‌های ترکی و مغولی و ناتوانی زبان فارسی.
 ۱۰. مطرح کردن زبان ترکی به عنوان تنها فاکتور هویت آذربایجانی‌های ایران. در صورتی که هویت هر انسان از: ملیت، نژاد، زبان و مذهب تشکیل می‌شود.

ت. یاران داخلی تجزیه‌طلبان ماجرای کاریکاتور سوسک‌ها!



مانا نیستانی

برخی اوقات خائنین یا ناپخته‌ها و تندروان داخلی در اقداماتی زشت دست به انتشار مطالب یا ایراد سخنانی می‌زنند که در تقابل آشکار با یگانگی ملت بزرگ ایران و برادری و برابری آنها قرار دارد و به یقین دشمنان منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای ایران قدرتمند و واحد و نیز بوق‌های تبلیغاتی‌شان به وقایع و رویدادهای بعدی ابعاد گسترده‌ای داده در جهت اهداف تجزیه‌طلبان از مطالب و سخنان مذکور سوءاستفاده می‌کنند. نمونه بارز این امر انتشار مطلب و کاریکاتور جنجالی روزنامه

ایران در هفته‌نامه *ایران* جمعه و ویژه‌نامه روزهای جمعه روزنامه *ایران* (به صاحب‌امتیازی خبرگزاری جمهوری اسلامی) ۲۲ اردیبهشت ۱۳۸۵ در صفحه کودک و نوجوان با عنوان



«چه کنیم که سوسک‌ها سوسکمان نکنند» توسط مانا نیستانی^۱ است. در این مطلب به زبان طنز درباره چگونگی مقابله با سوسک‌ها در قالب دو شخصیت سوسک (نجاست خوار) و یک پسر نوجوان پرداخته شده بود.

در تمامی کاریکاتورها سوسک به زبان فارسی سخن می‌گوید؛ اما در یکی از بخش‌ها در پاسخ به پسر نوجوان از کلمه ترکی «نه مَنه» (چی یا چه می‌گویی؟) استفاده می‌کند. چنین مقاله و چنین کلمه‌ای این شائبه را به وجود آورد که از نظر نویسندگان روزنامه *ایران* (روزنامه دولت) و حامیان آن، مردم ترک‌زبان ایران بسان سوسک نجاست‌خوار محسوب می‌شوند.



تظاهرات و آشوب در واکنش به کاریکاتور

انتشار این کاریکاتور خشم شدید مردم آذربایجان را برانگیخت و در تبریز و برخی

۱. وی پس از خیانتی که مرتکب شد از کشور خارج گردید و اکنون در اروپا با برخی رسانه‌های ضد انقلاب مانند رادیو زمانه همکاری می‌کند.



شهرهای ترک‌نشین ایران تظاهرات در پی داشت که شوربختانه در اول و دوم خرداد ۱۳۸۵ با تحریکات عواملی به آشوب کشیده شده و منجر به کشته شدن چند نفر و زخمی شدن عده‌ای از معترضین در شهرهای نقده، ارومیه، تبریز و مشگین‌شهر گردید.



تظاهرات تبریز در مخالفت با کاریکاتور روزنامه/یران

پس از انتشار کاریکاتور جنجالی روزنامه/یران، دامنه اعتراضات علاوه بر شهرهای مختلف آذربایجان به تهران و سایر شهرهای داخلی ایران نیز کشیده شد. شماری از دانشجویان دانشگاه تهران از ساعت ۲۱ و ۳۰ دقیقه نیمه‌شب سه‌شنبه ۲ خرداد ۱۳۸۵ خورشیدی تا ساعت ۵ صبح روز بعد در برابر در اصلی کوی دانشگاه تهران تجمع کرده بودند که این تجمع در ساعت ۲۳ نیمه‌شب سه‌شنبه به اوج خود رسید. دانشجویان آذربایجانی نیز با راهپیمایی



تظاهرات تبریز در مخالفت با کاریکاتور روزنامه/یران

در مقابل دانشکده‌های مختلف دانشگاه تهران، این اقدام روزنامه/ایران را محکوم کردند.^۱ در حالی که متن روزنامه/ایران را بیشتر معترضان ندیده بودند، اما شایعات اغراق شده یا کپی دستکاری شده روزنامه/ایران که از تشبیه مردم ترک‌زبان ایران به سوسک سخن می‌گفت، به نحو گسترده‌ای منتشر شد. به گفته مدیرمسئول روزنامه ایران، کپی دستکاری شده روزنامه در شمارگان ۳۰۰ هزار نسخه (حدود ده برابر تیراژ هفته‌نامه/ایران) روز جمعه در کشور و مخصوصاً در مناطق ترک‌زبان منتشر شده بود.^۲

در تبریز تظاهرات از ساعت ۴ بعدازظهر اول خرداد از سمت دانشگاه تبریز و میدان نماز آغاز گردیده و به سمت استانداری آذربایجان شرقی ادامه پیدا کرد. تلاش نیروهای انتظامی برای جلوگیری از پیوستن دو گروه تظاهرکننده به درگیری میان دو طرف انجامید.^۳ تعدادی از تظاهرکنندگان در تبریز به برخی از مراکز دولتی از جمله استانداری، بیمه ایران و بانک‌ها آسیب رساندند. آنان بخشی از شهر را به تعطیلی کشاندند، عبور و مرور را به کلی مختل کردند و فریاد می‌زدند: «روزنامه/ایران تعطیل باید گردد، یاشاسین آذربایجان».

نزدیک ساعت ۱۸ در مقابل دانشگاه تبریز درگیری‌هایی میان تظاهرات‌کنندگان و پلیس رخ داد و چند تیر هوایی شلیک شد. یک مینی‌بوس پلیس، یک تویوتای یگان ویژه، چند موتورسیکلت پلیس، یک دستگاه رنو، دو دستگاه پیکان در آتش خشم تظاهرات‌کنندگان سوختند. پلیس مجبور به استفاده از گاز اشک‌آور برای متفرق کردن حاضران گشت. در این درگیری‌ها به ۲۰ بانک دولتی خسارات شدیدی وارد شد و بانک ملت شعبه آبرسان، بانک تجارت بیلانکوه و بانک پارسیان به آتش کشیده شدند.^۴ سردار احمدی مقدم فرمانده وقت نیروی انتظامی در خصوص ناآرامی‌ها در برخی استان‌های کشور گفت: «فرصت‌طلبان در پی انتشار این کاریکاتور قصد موج‌سواری داشتند و بر این اساس ناآرامی‌هایی در نقاط مختلف کشور از جمله تبریز و ارومیه به وجود آمد.» وی از دستگیری ۵۰ تا ۶۰ نفر طی هر یک از ناآرامی‌های سوم و چهارم خرداد خبر داد و گفت: «البته تعداد زیادی از این افراد تا پایان روز آزاد شده‌اند و این در حالی است که تعدادی از مأموران انتظامی و هموطنانمان

۱. اعتماد، ۱۳۸۵/۳/۴، ص ۲.

۲. بی‌بی‌سی فارسی، ۱۳۸۵/۵/۳۱: آزادی موقت سردبیر و کاریکاتوریست/ایران جمعه.

۳. خبرگزاری ایسنا، ۱۳۸۵/۳/۳: «معاون امنیتی انتظامی استانداری تهران: شش نفر به واسطه ناآرامی‌های اخیر دستگیر شده‌اند، اغتشاش‌گران غیر دانشجوی بودند.» سایت بازتاب، ۱۳۸۵/۳/۲: ناآرامی در تبریز به خاطر کاریکاتور یک روزنامه.

۴. سایت بازتاب، ۱۳۸۵/۳/۲، کد خبر ۳۹۵۹۶. تصاویر تظاهرات تبریز در سایت بازتاب، ۱۳۸۵/۳/۲ کد خبر ۳۹۵۸۲ درج شده است.



طی ناآرامی‌ها در تبریز مجروح شدند.»

از طرفی دیگر در آذربایجان شرقی و تبریز برای اینکه فرصت اغتشاش، تحریک و آشوب بیشتر به محرکان و تجزیه‌طلبان مخفی شده در میان مردم داده نشود و اعتراضات مردمی در مسیر و قالب قانونی و هوشیارانه ادامه یابد، با دعوت شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، مردم اقدام به برپایی راهپیمایی کردند. در این راهپیمایی مردمی که به دعوت شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی استان آذربایجان شرقی، مجامع امور صنفی، جامعه اسلامی و بسیج اصناف تبریز صورت گرفت، نسبت به اقدام روزنامه/یران اعتراض گردید. آیت‌الله شبستری نماینده ولی فقیه در آذربایجان شرقی و امام جمعه تبریز، استاندار آذربایجان شرقی، رئیس شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی آذربایجان شرقی، جمعی از روحانیون و فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی استان نیز در راهپیمایی شرکت داشتند. حجت‌الاسلام آقازاده رئیس وقت دادگستری استان آذربایجان شرقی طی سخنانی با اشاره به تخریب اموال دولتی در تجمع روز دوشنبه در تبریز بر برخورد قاطع با آشوبگران این تجمع تأکید کرد.

در پایان این تظاهرات قطعنامه‌ای صادر شد که در بخشی از آن با اعلام انزجار از اهانت به اقوام مختلف ایرانی از قوه قضاییه خواسته شد بر خورد قانونی با اهانت‌کنندگان به اقوام و زبان‌های مختلف ایرانی بنماید. شرکت‌کنندگان در این راهپیمایی با اصرار بر پیگیری قانونی نسبت به این اهانت زشت، از مسئولان سیاسی خواستند که با سوءاستفاده‌کنندگان و آشوبگرانی که حرکت روز دوشنبه مردم را از مسیر اصلی منحرف کردند، برخورد قانونی نموده و زمینه تخلفات از این دست را از آشوبگرانی که به جان و مال مردم رحم نمی‌کنند، خارج و آنان را مجازات نمایند که در غیر این صورت مردم تبریز خود آماده‌اند چون گذشته سوءاستفاده‌کنندگان از احساسات پاک مردم را سر جای خودش بنشانند.^۱

اعتراضات در ارومیه منجر به تغییر مسیر اعتراضات علیه غیر ترک‌ها و مطرح کردن شعارهای پان‌ترکیستی و حرکت دادن تظاهرکنندگان به سمت کنسولگری ترکیه و آتش‌زدن ساختمان روزنامه/یران و صدا و سیما، ارومیه شد.^۲ حسن کرمی فرمانده نیروی انتظامی آذربایجان غربی گفت: «در ناآرامی‌های روز گذشته ۱۵ نفر از عاملان اصلی اغتشاش دستگیر شدند.»^۳

۱/ اعتماد، همان.

۲. بی‌بی‌سی فارسی، ۱۳۸۵/۵/۳۱: «گفت‌وگو با بستگان یکی از کشته‌شدگان ناآرامی‌های آذربایجان ایران» و نیز سایت بازتاب، ۱۳۸۵/۳/۲، کد خبر ۳۹۶۲۳.

۳/ اعتماد، همان.

واکنش وزارت ارشاد و قوه قضائیه

در پی تظاهرات گسترده در تبریز و در دیگر شهرهای ترک‌زبان کشور، هیئت نظارت بر مطبوعات تشکیل جلسه اضطراری داد و روزنامه/یران را توقیف موقت و پرونده آن را به دادسرا فرستاد. روزنامه/یران ۳۱ اردیبهشت عذرخواهی و اعلام کرد که مانا نیستانی نویسنده و طراح کاریکاتور را اخراج کرده است.^۱ پس از انتشار خبر توقیف، بیانیه‌ای با عنوان «ما اهل ایرانیم» توسط کارکنان این روزنامه منتشر شد که در آن آمده بود:

ما اهل ایرانیم. اهل ایران. در میان ما هم از جنس ترک است، هم از جنس کرد. هم از طایفه لر است، هم از تبار عرب. هم از سلسله بلوچ است، هم از سلاله عجم و برای ما مباهات است که در خانواده «ایران» قاطبه مدیران، مجریان و خبرنگاران، خود افتخار انتساب به هموطنان آذری را دارند. دردناک‌تر از این چه می‌تواند بود که در چنین شرایطی به جفا و توهین به مام و ملیت خویش متهم شویم. ما خبرنگاران «ایران» از هر جا که هستیم، پیش و بیش از هر چیز یک ایرانی مسلمان هستیم.^۲ سخنگوی قوه قضائیه نیز از صدور قرار بازداشت برای کارتون‌نویس و سردبیر/یران جمعه خبر داد.^۳ فیروزی دادستان تبریز نیز اعلام کرد که علیه روزنامه/یران اعلام جرم کرده است. وی اضافه کرد:

دستگیر شدگان در تبریز از اراذل و اوباش بودند و تعدادی از آنها قومیت گرا بودند که پیش‌تر نیز دستگیر شده و دارای پرونده هستند. ۸ نفر در حوادث مجروح شده‌اند. ما نمی‌گوییم چرا تظاهرات کردید، ولی با کسانی که به اموال دولتی و عمومی خسارت می‌زنند اختلاف داریم. اگر مردم دیروز با ما همکاری نمی‌کردند، حتی ارتش، پلیس، نیروهای امنیتی و سپاه هم قادر نبودند جلوی آنها را بگیرند؛ ولی مردم به محض متوجه شدن نسبت به نفوذ عده‌ای فرصت‌طلب، میدان را ترک کردند و فرصت‌طلبان معدود تنها ماندند.^۴

مانا نیستانی پیرامون کاریکاتور مذکور گفت:

۱. یران، ۱۳۸۵/۲/۳۱: برکناری طراح طنز «یران جمعه»

۲. سایت شریف‌نیوز، ۱۳۸۵/۳/۳: بیانیه‌ای از روزنامه/یران، «ما اهل ایرانیم» و روزنامه/عتماد، ۱۳۸۵/۳/۴، ص ۲.

۳. خبرگزاری ایسنا، ۱۳۸۵/۳/۲: روزنامه/یران توقیف شد اقدامات قانونی در حال انجام است؛ مردم هوشیار باشند.

۴. خبرگزاری ایسنا، ۱۳۸۵/۳/۲: سایت بازتاب، ۱۳۸۵/۳/۲، کد خبر ۳۹۶۰۵.



استفاده از واژه‌های «سنه‌نه» (به تو چه؟) و «نه‌منه» (چی، چه می‌گویی؟) که در دیالوگ سوسک آورده شده، اصطلاحاتی هستند که روزانه در زبان فارسی به کار گرفته می‌شوند و این نکته نشان از نفوذ زبان ترکی در زبان فارسی دارد. نکته دوم اینکه در همان صفحه یا صفحه ۲۰ روزنامه، کارتون‌های دیگری کشیده شده که قورباغه و سوسک بالهجه غلیظ تهرانی حرف می‌زنند، در حالی که حمل بر سوسک بودن تهرانی‌ها نشده است.^۱

توقیف روزنامه/یران ۵ ماه ادامه یافت و سپس با تغییر کادر و مدیریت آن انتشار خود را از سر گرفت. غلامحسین اسلامی فر مدیرمسئول روزنامه نیز از اتهام ایجاد اختلاف بین قشرهای جامعه و اهانت به مردم ترک‌زبان تبرئه شد. وی در دادگاه گفت:

شخصیت داستان و طنز در کاریکاتورهای دیگر مطلب مزبور به زبان‌های رایج دیگری در کشور از جمله فارسی نیز سخن گفته و بدین ترتیب کاریکاتور است قصد توهین به ترک‌زبانان نداشته است.^۲

اعتراض در باکو

برخی از منابع، این حرکات را به گروه‌های پان‌ترکیست و هواداران تجزیه مناطق ترک‌نشین ایران و از جمله گروه گرگ‌های خاکستری نسبت داده‌اند. در باکو عده‌ای



روزنامه خلق جبهه سی، چاپ باکو با تیتر: تبریزده قان توکولدی (در تبریز خون ریخته شد)

۱. سایت شریف‌نیوز، ۱۳۸۵/۳/۲.

۲. بی‌بی‌سی فارسی، ۱۳۸۵/۶/۵؛ مدیرمسئول روزنامه/یران بی‌گناه شناخته شد.



روزنامه گوندلیک/آذربایجان، چاپ باکو با تیترا: تبریز قان ایچینه (تبریز در میان خون)

مقابل سفارت ایران تجمع کرده و پرچم ایران را به آتش کشیدند. همچنین روزنامه‌های جمهوری آذربایجان برای ایجاد تحریکات و تشنجات بیشتر با چاپ تصاویری از تظاهرات تبریز، از تیتراهایی همچون «رژیم ایران برادران ما را سرکوب کرد»، «آذربایجان جنوبی به پا خاسته است»، «تبریز در میان خون» و «در تبریز خون ریخته شد» استفاده کردند.

نطق علمی و تشنج در مجلس

اعتراض به اقدام روزنامه/یران به مجلس شورای اسلامی نیز کشیده شد و اکبر علمی نماینده تبریز^۱ ضمن سخنان تندى شعر «تهران و تهرانی» از مرحوم محمدحسین شهریار شاعر نامدار معاصر آذربایجانی را خوانده که ترجیع‌بند آن با «الا تهرانیانیا انصاف می‌کن... تویی یا من» آغاز می‌شود. با اینکه رئیس مجلس چند بار به علمی در مورد درست نبودن خواندن شعر مذکور تذکر داد، اما وی (برخلاف نمایندگان دیگر آذربایجان که کوشیدند جلسه مجلس و احساسات جریحه‌دار شده مردم آذربایجان را آرام و التیام بخشند و همه را به وحدت دعوت نمایند و البته حق با آنان بود) به تندگویی و تندروی

۱. اکبر علمی بنا به آنچه در سایت اینترنتی‌اش ثبت شده، مرداد ۱۳۳۳ در بندر شاه (بندر ترکمن) از خانواده‌ای از اهالی منطقه هادی‌شهر در ساحل رود ارس در آذربایجان شرقی به دنیا آمد. ۳۳ ماه در جبهه حضور داشت و ۴۵ درصد جانبازی دارد. از ۱۳۶۶ تا ۱۳۷۸؛ فرماندار مغان، معاون اداره کل امور انتظامی وزارت کشور، معاون اداره کل بازرسی وزارت کشور، معاون اداره کل دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور و مدیر کل بازرسی بنیاد مستضعفان و جانبازان و مشاور سیاسی و اجتماعی سرپرست بنیاد بود. در سال ۱۳۷۸ از حوزه تبریز به مجلس راه یافت. در انتخابات مجلس هشتم رد صلاحیت شد. www.akbaralami.com وی در انتخابات ریاست جمهوری دهم کاندید شد اما نتوانست از شورای نگهبان تأیید صلاحیت بگیرد. لذا در نامه‌ای ناشیانه و احساساتی به مقام معظم رهبری، ایشان را مسئول اقدامات به گفته وی غیر قانونی شورای نگهبان دانست!





خود که بسیار باب میل جریان‌های تجزیه‌طلب بود، ادامه داد و جو را ملتهب‌تر و تندتر نمود! آیا این بود «مدیریت در بحران» که آقایان همیشه از آن دم می‌زدند و حتی خود را متخصص آن می‌دانستند؟! حال که چند سال از قضیه کاریکاتور روزنامه/یران گذشته و احساسات فرو نشسته است، باید گفت ضروری است در تمام مذهب‌های حساسیت‌های قومی و مذهبی خاص مردم مناطق متعدد ایران عنایت ویژه داشت و از بهانه

دادن به دشمنان و آب ریختن در آسیاب تجزیه‌طلبان خودداری کرد. مردم وطن‌دوست ایران نیز باید بیش از پیش نسبت به نقش‌ها و نقشه‌های دشمنان تمامیت‌ارزی ایران بصیرت داشته باشند و در مواقع حساس، صبر انقلابی پیشه سازند تا مسئولان و مراکز اطلاعاتی و امنیتی ریشه‌ها و پشت‌پرده‌ها را آشکار نمایند. دشمنی و تحقیر زبان‌ها و قومیت‌های مختلف، دشمنی با یکی از نشانه‌های قدرت و عظمت خداوند در روی زمین است. خداوند در قرآن مجید آفرینش زبان‌های متعدد را مانند رنگ پوست انسان‌ها از نشانه‌های قدرت و عظمت خود یاد فرموده است. آنچه کسی می‌تواند با قدرت و عظمت خداوند بستیزد و پایدار ماند؟ اگر یک یا چند زبان در دنیا کافی بود و دیگران باید به آنها تکلم می‌کردند، چرا خداوند این همه زبان آفرید؟

۱. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، اداره تدوین مذاکرات مجلس، دوره هفتم، جلسه ۲۲۳ به تاریخ ۱۳۸۵/۳/۳. نطق‌اعلمی و شعرهای خوانده‌شده توسط وی و سخنان نمایندگان دیگر آذربایجان.
۲. قرآن مجید، سوره روم، آیه ۲۲.